

مروری

تحولات و چالش‌های ساختاری و کارکردی نهاد خانواده در ایران: یک مرور نظام‌مند^۱

علی رحیمی^۲ و حبیبه‌بی بی رازقی نصرآباد^۳

چکیده

خانواده مهمترین نهاد اجتماعی است که در اغلب کشورها و از جمله ایران دگرگونی‌های زیادی را تجربه کرده است. هدف اصلی این مطالعه، بررسی تغییرات و چالش‌های ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی در دوره معاصر است. جهت نیل به این هدف، از روش تحقیق مرور سیستماتیک یا نظام‌مند بهره گرفته شده است. در این مطالعه، طی مراحل مختلف جستجو، ۴۲۶ سند جمع‌آوری گردید. از این تعداد، ۴۰۴ سند در مرحله بررسی اولیه، مرحله تطابق با معیارهای ورود مطالعات به تحقیق و مرحله داوری علمی و روش‌شناسی حذف، و در نهایت، ۲۲ مطالعه برای استخراج و بررسی یافته‌ها انتخاب شدند. در این تحقیق، تغییرات و چالش‌های ساختاری و کارکردی خانواده ایرانی در ذیل ۲۳ مقوله ساختاری و کارکردی مورد بحث قرار گرفته است. به‌طور کلی، بارزترین تحولات خانواده در ایران بر «بعاد خانواده»، «سبک زندگی»، «ازدواج»، «طلاق»، «روابط درونی اعضا»، «جایگاه جنسیتی و توزیع قدرت»، «اشتغال زنان»، «سطح سواد، آگاهی، نگرش‌ها و علایق اعضا» و «فرزندآوری» متمرکز است. بیشترین چالش‌های این نهاد نیز در حوزه‌های «ازدواج»، «طلاق»، «روابط درون خانواده» و «ساختار قدرت و نقش‌های جنسیتی» مشاهده می‌شود.

واژگان کلیدی: ساختار خانواده، کارکرد خانواده، تغییرات، چالش‌ها، مرور نظام‌مند

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی است که با همین عنوان در مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور انجام شده است.

۲- دانشجوی دوره دکتری جمعیت‌شناسی و پژوهشگر گروه مطالعات خانواده، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور (نویسنده مسئول).

ali.rahimi@psri.ac.ir, a_rahimiV@yahoo.com

۳- دانشیار جمعیت‌شناسی، گروه مطالعات خانواده، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.

hajiieh.razeghi@psri.ac.ir, hajiieh.razeghi@gmail.com

مقدمه

خانواده به لحاظ برخورداری از کارکردهای متعدد، یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی در طول تاریخ بشر به‌شمار می‌رود. این نهاد به رغم جایگاه والای خود، طی سده و خصوصاً دهه‌های اخیر در حال تجربه تغییر و تحولات عمیقی است. تحولاتی که به منطقه یا کشور خاصی محدود نیست و نمودی جهانی یافته است (کنستانس^۱، ۱۹۹۰؛ برگز^۲، ۱۹۹۴؛ رایمو^۳ و همکاران، ۲۰۱۸). این تحولات در همه جوامع از شدت و میزان یکسانی برخوردار نیست و درجات مختلفی بر آن مترتب است (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۸۲: ۳).

در ارتباط با کم و کیف تحولات خانواده، دو دیدگاه کاملاً متفاوت، قابل تشخیص است. عده‌ای تغییرات خانواده را به معنای زوال و فروپاشی خانواده در دوره جدید تلقی می‌کنند. اولین متفکران مدافع منسوخ شدن خانواده، افلاطون در دوره قدیم و مارکس و انگلس در دوره جدیدند. آنها با واگذاری کارکردهای خانواده به نهادهای دیگر، ضرورتی برای بقای خانواده قائل نیستند. در دوره جدید، برخی از فمنیست‌ها نیز در نقد مردسالاری، فروپاشی خانواده را تنها راه نجات زنان از جامعه مردسالار می‌دانند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۱۱۹-۱۲۰). در مقابل، رویکردهایی از قبیل کارکردگرایی، تکامل‌گرایی و ساختارگرایی، به بقا و تغییر خانواده به‌طور هم‌زمان می‌اندیشند. برخی کارکردگرایان ساختاری متأثر از اندیشه کنت، دورکیم، تالکوت پارسونز و مرتن مدعی تغییرپذیری خانواده از طریق فشارهای بیرونی‌اند. به‌نحوی که با تغییر در نیازهای افراد و جامعه، در نظام کارکردی خانواده نیز تغییراتی رخ می‌دهد. این دیدگاه، ضمن پذیرش پایداری نسبی برای شالوده خانواده، بیشترین امکان تغییر را برای آن قائل است. با قبول اینکه نحوه و میزان برآورده کردن نیازهای جامعه از طریق خانواده یکسان نخواهد بود، در هر دوره یا در هر جامعه خاص، متناسب با تغییر در نیازها و وظایف، خانواده دچار تحول خواهد شد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۱۲۰، به‌نقل از هارالامبوس، ۱۹۹۱). به هر ترتیب، «خانواده، خود پدیده‌ای است که به بیان گورویچ، هر لحظه در حال دگرگونی

1- Constance

2-Burgess

3- Raymo

بوده و از فراگردهای^۱ ساختی شدن^۲، از ساخت افتادن^۳، و بازساختی شدن^۴ برخوردار است. لذا، هرگونه نگرشی به خانواده بایستی نگرشی پویا و دیالکتیکی باشد^۵. (مهدی، ۱۳۵۴: ۶۳). اما در بستر تحولات جهانی خانواده، خانواده ایرانی نیز در ابعاد مختلف ساختاری و کارکردی متحول شده است. این تحولات که بیشتر در دهه‌های اخیر رخ داده^۵ (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶: ۶۵ و معینی و شکرپیگی، ۱۳۸۸: ۱۲۰)، در برخی حوزه‌ها چالش‌هایی را نیز به دنبال داشته است. بررسی پیشینه تحقیقاتی گویای آن است که در ایران، تحقیقات متعددی در ارتباط با تحولات خانواده صورت گرفته است. در این تحقیقات، هرچند در ارتباط با «زمان شروع» تغییرات محسوس و قابل توجه خانواده ایرانی، اتفاق نظر نسبی به چشم می‌خورد، اما در ارتباط با «ابعاد» و «وسعت» تغییرات رخ داده و چالش‌های بروز یافته در این نهاد اجتماعی، اتفاق نظر چندانی مشاهده نمی‌شود. به نحوی که مطالعات انجام شده، هر یک بر بخشی از تحولات عمده خانواده متمرکز شده و آنها را مورد بررسی قرار داده‌اند. به عنوان مثال، در مطالعه سرایی (۱۳۸۵) که به بررسی تغییرات خانواده ایرانی در جریان گذار جمعیتی پرداخته شده است، بر چند حوزه اصلی از جمله شکل خانواده، همسرگزینی، سن ازدواج، مضیقه ازدواج، دوام ازدواج و همچنین فرزندآوری متمرکز گردیده است؛ یا اینکه در پژوهش میرمحمدرضایی و همکارانش (۱۳۹۶)، تحولات بُعد خانواده، فرزندآوری، تعداد و سن ازدواج، مجرد قطعی، طلاق و همچنین درصد زنان سرپرست خانوار مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین، حقیقت مشهود از تحقیقات انجام شده در زمینه تحولات خانواده ایرانی این است که این تحقیقات به صورت خاص، تصویر جامعی از تحولات خانواده ایرانی و چالش‌های احتمالی موجود در آن ارائه نمی‌دهند.

مطالعه پیش رو تلاش دارد با استفاده از روش تحقیق مرور نظام‌مند^۶ و بر مبنای مطالعات صورت گرفته، تصویری نسبتاً جامع از تحولات خانواده ایرانی و چالش‌های پیش‌روی آن در دوره معاصر نشان دهد. بنابراین، سؤال اساسی این مطالعه این است که: در دوره معاصر،

1- Processes

2-Structuralization

3-Disstructuralization

4- Restructuralization

۵- تحولات محسوس خانواده در ایران، به آغاز برخورد جامعه ایرانی با تمدن غرب و جریان نوسازی فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور (مصادف با دوره حکومت ناصرالدین شاه قاجار) نسبت داده می‌شود.

6- Systematic Review

خانواده ایرانی شاهد چه تغییرات ساختاری و کارکردی بوده و در جریان این تغییرات، با چه چالش‌هایی مواجه شده است؟ در کنار این سؤال، سعی می‌شود به دو سؤال دیگر نیز پاسخ داده شود. اینکه: آیا چالش‌های خانواده ایرانی در طول دوره معاصر تغییر کرده‌اند یا خیر؟ و آیا در مناطق مختلف کشور، نوع و روند تغییرات و چالش‌های خانواده متفاوتند یا خیر؟ در این مطالعه همچنین تلاش می‌شود، مطالعات انجام شده در حوزه تحولات و چالش‌های خانواده در ایران، به لحاظ روش‌شناختی مورد نقد و ارزیابی قرار گیرند. با انجام این تحقیق و تحقیقات تکمیلی، می‌توان ضمن پی بردن به عمق، جهت و میزان همسویی یا ناهمسویی تحولات خانواده ایرانی، در مورد چشم‌انداز و آینده این نهاد مهم اجتماعی نیز قضاوت کرد. با توجه به اینکه تغییرات ناهمسو و ناهمخوان حوزه‌های مختلف خانواده، عاملی برای بروز چالش در این نهاد اجتماعی به شمار می‌رود، لذا نتایج این مطالعه به سهم خود می‌تواند در برنامه‌ریزی در جهت برقراری و حفظ تعادل حوزه‌های مختلف ساختاری و کارکردی خانواده، کاهش آسیب‌های این نهاد اجتماعی و نهایتاً حفظ کلیت آن مؤثر باشد. همچنین این مطالعه می‌تواند با شناسایی خلأهای موجود در حوزه مورد بررسی، در جهت‌یابی مناسب تحقیقات آتی مفید واقع شود.

پیشینه نظری و تجربی تحقیق

به نظر می‌رسد تحولات جهانی نهاد خانواده در قالب دو نظریه عمده قابل تبیین و تحلیل است: «نظریه نوسازی»^۱ و «نظریه گذار جمعیتی دوم»^۲. تأثیرپذیری و تحول ساختار و کارکرد خانواده از فرآیند نوسازی از سوی محققان متعددی از جمله پارسونز^۳ (۱۹۶۶)، ون‌دی‌بن^۴ (۱۹۶۷)، مارگاوینو و مان^۵ (۱۹۸۹)، جیلوها^۶ (۲۰۰۹) و بربر^۷ و همکاران (۲۰۱۸) مورد تأکید قرار گرفته است. نظریه نوسازی، با تأکید بر تغییرات ساختی جوامع (گذار از اقتصاد کشاورزی به

1 Modernization

2-Second Demographic Transition

3-Parsons

4- Van Den Ban

5- Margavio & Mann

6- Jiloha

7- Barbar

اقتصاد صنعتی)، تغییرات خانواده را به تغییرات ساختاری در زندگی اجتماعی به‌منظور ظهور نیروهای جدید اجتماعی یعنی جریان صنعتی شدن، شهرنشینی و آموزش همگانی و غیره مرتبط می‌کند و تحولات ازدواج و خانواده را به‌عنوان سازگاری نظام‌مند با تغییر در شرایط نظام اجتماعی پیرامونی یا به‌عبارتی انطباق با شرایط اقتصادی-اجتماعی تغییر یافته در نظر می‌گیرد (عباسی‌شوزی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۷-۲۸). ویلیام گود^۱ (۱۹۶۳) با مطرح کردن ایده انقلاب جهانی در الگوهای خانواده، به گستره تأثیرات نوسازی بر خانواده و الگوهای ازدواج اشاره می‌کند و معتقد است که فرایند نوسازی در سطوح مختلف فردی و اجتماعی، نهاد خانواده و ابعاد آن را به‌شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد (محمدپور و همکاران، ۱۳۸۸: ۷۴). در فرآیند نوسازی، انشقاق، گسستگی و تضعیف در بین عوامل همبسته اجتماعی به‌وجود می‌آید و افراد به‌صورت اتم‌های مجزا به‌نظر می‌رسند که به‌دنبال حداکثر سود و منفعت فردی و شخصی خود هستند؛ یعنی دغدغه‌های شخصی بر مصالح جمعی و قومی اولویت می‌یابد و تغییر در ایده افراد به سمت سکولاریته، مادی‌گرایی، فردگرایی و انزواطلبی صورت می‌گیرد و خانواده‌محوری به فردمحوری تبدیل می‌شود (عباسی‌شوزی و صادقی، ۱۳۸۴: ۲۸).

تحولات رخ داده در سطح خانواده، از طریق نظریه «گذار جمعیتی دوم» نیز قابل تبیین است. گذار جمعیتی اول و دوم به دو مدل مختلف خانواده اشاره دارند. به‌نحوی که مدل خانواده بورژوا که در پس اولین گذار قرار داشت، در گذار دوم جایش را به مدل خانواده فردگرایانه می‌دهد. در واقع، در حالیکه در جریان گذار جمعیتی اول، خانواده به‌صورت نهادی نیرومندتر ظاهر شد، تضعیف خانواده، نماد گذار جمعیتی دوم تلقی می‌شود (ون دوکا، ۲۰۰۲: ۶). طی دهه‌های آخر قرن بیستم، در کشورهای اروپای غربی و شمالی و مناطق انگلیسی‌زبان خارج از اروپا با باروری پایین، تغییرات شگرفی در ساختار، فرهنگ و تکنولوژی پیش آمد. ملازم با این تغییرات، تغییرات مهمتری نیز در روابط جنسی، ازدواج و خانواده در این کشورها و مناطق روی داد (سرایبی، ۱۳۸۷: ۱۲۲). در واقع، در چند دهه آخر قرن بیستم، در این کشورها، خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی دگرگون گردید؛ تکالیف و تعهدات مرتبط با ازدواج رسمی دچار فرسایش شد؛ صورت‌های جدید انتخاب زندگی مشترک، پابندی به هنجارهای جاافتاده اجتماعی الگودهنده به زندگی مشترک را تضعیف کرد؛ ... و توالی وقایع در مسیر تشکیل

زندگی مشترک او دوام آن از حالت استاندارد شده و یکنواخت خارج گردید (سرای، ۱۳۸۷: ۱۲۲-۱۲۳، به نقل از سازمان ملل، ۲۰۰۳). لستهاق و نیلز (۲۰۰۲) در بیان ویژگی‌های خانواده در گذار جمعیتی دوم به مواردی از قبیل: افزایش میانگین سن در اولین ازدواج؛ کاهش نسبت افراد ازدواج کرده؛ افزایش طلاق (طلاق‌های اوایل ازدواج)؛ کاهش میزان ازدواج‌های مجدد متعاقب طلاق و بیوگی؛ کاهش بیشتر فرزندآوری متأثر از به تأخیر انداختن آن و افزایش سن والد شدن؛ افزایش فرزندآوری خارج از ازدواج؛ افزایش بی‌فرزندی قطعی در میان زوجین؛ افزایش نیازهای سطح بالاتر از قبیل استقلال فردی و خودشکوفایی؛ و همچنین افزایش همانندی در نقش‌های جنسیتی و استقلال اقتصادی زنان اشاره می‌کنند (لستهاق و نیلز، ۲۰۰۲: ۳۳۱).

در رابطه با میزان تحقق تئوری گذار جمعیتی دوم در ایران، می‌توان به نظر سرایی (۱۳۸۵ و ۱۳۸۷) در این مورد اشاره نمود. وی معتقد است: این نظریه برخاسته از تجربه کشورهای لیبرال، به‌طور خاص کشورهای اسکاندیناوی است و میزان صدق آن در جوامع خارج از حوزه فرهنگی لیبرال در بعضی وجوه ضعیف است. به عقیده او، در جوامع مرکزی (تأثیرگذار)، تغییرات بیشتر درون‌زا و خاستگاه آنها محلی است. حال آنکه در جوامع پیرامونی (تأثیرپذیر)، اضافه بر شرایط و عوامل فعال در محل، تأثیرات بیرونی ناشی از مرکز نیز نقش قابل‌ملاحظه‌ای در تغییرات ایفا می‌کنند. وی معتقد است: در کشورهای پیرامونی، همه گروه‌ها و اجتماعات به یک نسبت در معرض تغییرات بیرونی نبوده‌اند؛ بعضی به لحاظ زمانی، زودتر و به لحاظ درجه تأثیرپذیری، شدیدتر متأثر شده‌اند. در مقابل، بعضی گروه‌ها و اجتماعات نیز دیرتر و با شدت کمتری در معرض جهانی شدن قرار داشته و از آن تأثیر پذیرفته‌اند. بنابراین، به‌طور هم‌زمان، شرایطی را ملاحظه می‌کنیم که بنا بر تجربه غرب، ناهم‌زمان هستند. به سخن دیگر، در اجتماعات مختلف کشورهای پیرامونی، به‌طور هم‌زمان می‌توان شرایط پیشامدرن، مدرن و پسامدرن را مشاهده کرد. با توجه به اینکه اجتماعات مختلف به درجات مختلف در معرض تغییر بوده‌اند، خانواده نیز باید به درجات مختلف تغییر کرده باشد. سرایی ضمن تأکید بر لزوم در نظر داشتن هر دو عامل اثرگذار درونی و بیرونی در بررسی تغییرات خانواده، بر این باور است که: در جوامعی مانند ایران، یک توانایی در محل وجود دارد که از میان

عوامل و تأثیرات بیرونی، بعضی را گزینش کند، به‌طور موقت بیازماید و در نهایت، درونی یا رد کند. لذا، تغییرات اخیر در ایران، همان‌قدر که تمایل شده از خارج است، انتخاب شده و ایجاد شده در داخل نیز هست. بنابراین، در استفاده از این نظریه در جوامع پیرامونی، شرایط خاص این جوامع باید مد نظر باشد و در صورت امکان، نظریه برای کاربرد در این جوامع، تعدیل گردد (سرای، ۱۳۸۵: ۴۲-۴۰؛ سرایی ۱۳۸۷: ۱۳۳-۱۳۸).

بررسی سوابق تجربی تحقیق نشان داد که مطالعات مختلفی به تغییرات و چالش‌های خانواده در سطح جهان و مخصوصاً کشورهای توسعه‌یافته پرداخته‌اند؛ اما مطالعه‌ای با رویکرد مرور نظام‌مند در این زمینه یافت نشد. در ایران، تحقیقات دانشگاهی مرتبط با خانواده قدمت طولانی ندارند و اکثراً به دهه‌های ۱۳۸۰ و خصوصاً ۱۳۹۰ تعلق دارند. این تحقیقات دو دسته‌اند: ۱. تحقیقاتی که به صورت تک‌بعدی، تغییر یا چالش خاصی در نهاد خانواده (مانند تغییرات ازدواج، طلاق، تعارضات زناشویی و...) را بررسی کرده‌اند (این تحقیقات با توجه به «معیارهای ورود مطالعات به تحقیق» که در بخش روش‌شناسی توضیح داده می‌شود، مدنظر تحقیق پیش‌رو نیست)؛ ۲. تحقیقاتی که با دیدی کل‌نگر و نه تک‌بعدی، تغییرات یا چالش‌های خانواده ایرانی را مطالعه کرده‌اند (این تحقیقات با توجه به معیارهای ورود مطالعات به تحقیق، مدنظر مطالعه پیش‌رو هستند). در بررسی پیشینه تجربی، تحقیقی که با رویکرد مرور نظام‌مند و یا حتی مرور ساده، نتایج تحقیقات دسته دوم را بررسی و تحلیل کرده باشد، یافت نشد. مطالعه زکی (۱۳۹۰) نیز که با عنوان «بررسی تحقیقات آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دهه ۸۰؛ روند، الگوها و گرایش‌ها» انجام شده، تنها به بررسی روندها، الگوها و گرایش‌های پژوهشی این نوع تحقیقات پرداخته و به یافته‌های آنها توجهی نداشته است. لازم به ذکر است که رویکرد مرور نظام‌مند در کشور ما، بیشتر در حوزه علوم پزشکی مورد استفاده قرار گرفته و در حوزه علوم اجتماعی، کمتر از آن بهره گرفته شده است. از جمله مطالعاتی که در حوزه علوم اجتماعی از روش نظام‌مند استفاده نموده، می‌توان به مطالعه وامقی و همکارانش (۱۳۸۹) در ارتباط با کودکان خیابانی، مطالعه کلانتری و همکارانش (۱۳۹۰) در بررسی آثار و پیامدهای طلاق، مطالعه رضوی‌زاده و پیکانی (۱۳۹۴) در ارتباط با تنظیم خانواده و کاهش باروری در ایران و مطالعه عرفانی‌خانقاهی و عبادی‌فرد خانقاهی (۱۳۹۶) در زمینه کیفیت زندگی در سالمندان اشاره کرد.

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه پیش رو، از نوع مطالعات مروری و روش اجرای آن مرور نظام‌مند^۱ است. مرور نظام‌مند از شناخته‌شده‌ترین شیوه‌های مرور تحقیقات گذشته است که بر خلاف مرور سنتی^۲، از اصول و قواعد دقیق و سخت‌گیرانه‌ای تبعیت می‌کند. رویکرد این مطالعات کاملاً نظام‌مند بوده و روش انجام آنها نیز به صورت از پیش طراحی‌شده در پیش‌نویس مرور نظام‌مند مشخص می‌شود (رجب‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۵). این رویکرد دو ویژگی اساسی دارد: ۱. پایایی آن بالا است؛ (تکرارپذیر است)، ۲. در چند مرحله انجام می‌شود؛ در ابتدا، جستجو بسیار گسترده و با حساسیت بالا است و در مراحل آخر اختصاصی می‌شود (گلاس^۳ و همکاران، ۱۹۸۱). استفاده از چنین روش‌هایی موجب می‌شود فرآیند حیاتی انباشت تجارب - که از مقدمات و مقومات تولید علم می‌باشد و متأسفانه در جامعه ایران با مشکلات اساسی مواجه است - با دقت و به نحوی نظام‌مند صورت پذیرد و مسیر آتی تحقیقات مرتبط روشن شود (کلانتری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵).

جامعه آماری این تحقیق، شامل همه مطالعاتی است که تغییرات و چالش‌های خانواده ایرانی در دوره معاصر (حدود صد سال اخیر) را به صورت کل‌نگر (و نه تک‌بعدی یا محدود) بررسی کرده‌اند. در این پژوهش، فرآیند جستجو با استفاده از ۱۹ کلیدواژه فارسی و ۶ کلیدواژه انگلیسی شروع شد. جستجوی کلیدواژه‌ها علاوه بر پایگاه‌های جستجوی عمومی مانند گوگل^۴، پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران^۵، بانک اطلاعات نشریات کشور^۶ و پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی^۷، در ۱۲ پایگاه تخصصی‌تر (شامل دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و سازمان‌های مرتبط) و همچنین در پایگاه‌های اینترنتی ۴۵ مجله حوزه علوم اجتماعی نیز صورت گرفت. با توجه به اینکه در روش مرور نظام‌مند، جستجوی دستی^۸ نیز به‌عنوان یکی از روش‌های اصلی جستجو مورد استفاده قرار می‌گیرد (برای شناسایی مطالعات منتشر

1- Systematic Review

2- Narrative review

3- Glass

4- Google

5- IRANDOC

6- Magiran

7- SID

8- Hand searching

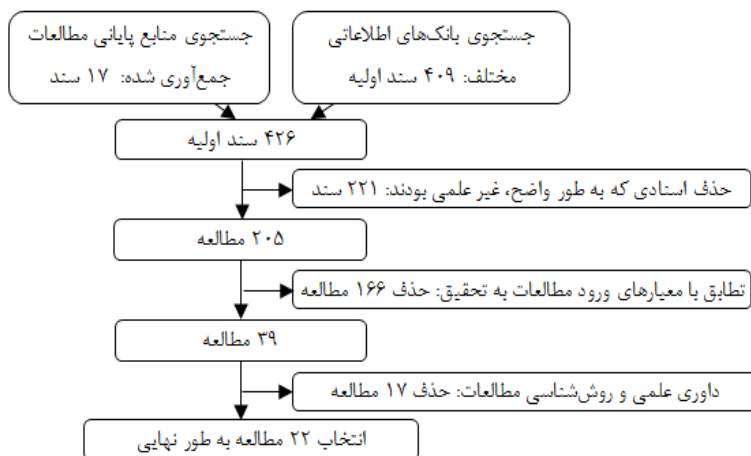
شده‌ای که به صورت الکترونیکی در دسترس نیستند)، در موارد نیاز، به سازمان‌های مربوطه نیز مراجعه گردید. در فرآیند جستجو، در صورت تشخیص غیرمرتبط بودن یک سند، در همین مرحله کنار گذاشته می‌شد. با کامل شدن فرآیند جستجو تا این مرحله، تعداد ۴۰۹ سند جمع‌آوری گردید. با توجه به اینکه در مرور نظام‌مند، بررسی لیست رفرنس‌های^۱ پایانی مطالعات جمع‌آوری شده به‌عنوان یک روش تکمیلی در شناسایی مطالعات مرتبط مورد استفاده قرار می‌گیرد (ملبوس‌باف و عزیزی، ۱۳۸۹: ۲۰۵)، لذا منابع پایانی اسناد جمع‌آوری‌شده نیز بررسی شدند. این مرحله از جستجو نیز به یافتن ۱۷ سند دیگر انجامید و در نهایت، ۴۲۶ سند جمع‌آوری گردید.

در مرحله بعد (مرحله ارزیابی اولیه اسناد)، با مطالعه چکیده یا بحث‌های مقدماتی اسناد جمع‌آوری شده، ارزیابی اولیه صورت گرفت و اسنادی که غیرمرتبط بودن آنها کاملاً واضح بود، در همین مرحله از جریان مطالعه حذف شدند (۲۲۱ مطالعه). در پایان این مرحله، ۲۰۵ سند به طور مقدماتی و جهت تطابق با معیارهای ورود و خروج مطالعات انتخاب شدند. یکی از ویژگی‌های اساسی مرور نظام‌مند که اعتبار ویژه‌ای به آن می‌بخشد، تعیین معیارهای ورود مطالعات به تحقیق است. این معیارها سوگیری ناشی از انتخاب مطالعات توسط محقق را تا حد زیادی از بین می‌برد. معیارهای در نظر گرفته شده در تحقیق پیش رو عبارتند از: ۱. مطالعه می‌بایست تغییرات و چالش‌های «ساختاری» یا «کارکردی» و یا هر دو را در خانواده (خانواده ایرانی) بررسی کرده باشد و یا نسبت به این موارد آینده‌نگری کرده باشد (در قالب «هدف اصلی و یافته‌های مطالعه» و نه به عنوان بحث‌های مقدماتی)؛ ۲. مطالعه، سعی کرده باشد «کلیت و مجموعه تغییرات و چالش‌های خانواده» را بررسی کرده باشد. لذا مطالعاتی که تغییرات یا چالش‌های یک متغیر خاص مانند ازدواج، طلاق، تعارضات زناشویی و... را بررسی کرده‌اند، مدنظر نیستند. چرا که محققان در مطالعه پیش رو به دنبال این هستند که بدانند: هر یک از مطالعات انجام شده، عمده‌ترین تغییرات و عمده‌ترین چالش‌های خانواده را چه می‌دانند؟ از این طریق می‌توان به کلیت تغییرات و چالش‌های خانواده ایرانی پی برد و احتمالاً آنها را به لحاظ تأکید محققان، رتبه‌بندی نیز نمود؛ ۳. مطالعه، تغییرات و چالش‌های «خانواده‌های معمولی» را بررسی کرده باشد.

1- Checking reference list

2- Inclusion criteria

لذا مطالعاتی که در ارتباط با خانواده‌های خاص (خانواده‌های مهاجر، خانواده‌های دارای فرد معلول، از هم گسیخته، تک‌سرپرست، بدسرپرست، تحت پوشش یک سازمان خاص و...) انجام شده‌اند، مدنظر نیست؛ ۴. مطالعه، تغییرات و چالش‌های خانواده را در «دوره معاصر» (صد سال اخیر) بررسی کرده باشد (دوره زمانی فراتر از این مدنظر نیست)؛ ۵. «متن کامل» مطالعه در دسترس باشد؛ ۶. مطالعه، به زبان «فارسی» یا «انگلیسی» منتشر شده باشد؛ ۷. مطالعه، تکراری نباشد (به عنوان مثال، از بین یک پایان‌نامه و مقاله مستخرج از آن، یکی انتخاب می‌شود). پس از تطابق ۲۰۵ مطالعه انتخابی با این معیارها، در نهایت، ۳۹ مطالعه که معیارهای نامبرده را داشتند، انتخاب شدند و به منظور ارزیابی کیفیت روش‌شناسی علمی در اختیار داوران علمی قرار گرفتند. در این مرحله نیز ۱۷ مطالعه کنار گذاشته شد (۱۳ مطالعه، به لحاظ تأیید نشدن کیفیت روش‌شناسی علمی، ۲ مطالعه به دلیل خطا در بررسی تفاوت نگرش سه نسل حاضر در خانواده‌های نمونه، ۲ مطالعه نیز به دلیل بررسی تغییرات خانواده در چرخه زندگی که با اهداف این مطالعه متناسب نبود) و در نهایت ۲۲ مطالعه انتخاب و وارد مرحله تحلیل یافته‌ها شدند. مشخصات و ویژگی‌های کلی هر یک از مطالعات منتخب در جدول ۱ آمده است.



نمودار ۱: فرآیند جستجو و انتخاب مطالعات مرتبط با اهداف تحقیق

جدول ۱: مشخصات و ویژگی‌های کلی مطالعات منتخب تحقیق

ردیف	عنوان مطالعه	نویسنده / نویسنده‌گان	سال انتشار	روش تحقیق، جامعه آماری، داده‌ها
۱	تجول خانواده در ایران طی سی سال اخیر	سفری، خدیجه	۱۳۶۶	روش تحقیق: اسنادی (نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (سال‌های ۶۵-۱۳۳۵)، آمار قضایی و دادگستری و آمارهای بخش نیروی انسانی سازمان برنامه و بودجه).
۲	روند انتقال و تحول خانواده در ایران و جهان	مهاجرانی، علی‌اسفر	۱۳۷۵	روش تحقیق: اسنادی (نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (سال‌های ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵)، نتایج آمارگیری جاری جمعیت سال ۱۳۷۰ و منابع آماری و تحقیقی دیگر).
۳	روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل	آزاد ارمنی، تقی	۱۳۸۲	روش تحقیق: اسنادی و پیمایشی / جامعه آماری: ۱. خانواده‌های ساکن در مناطق ۲۲گانه شهر تهران، ۲. والدین رؤسای خانواده‌های مذکور و والدین همسران آنها، ۳. آخرین فرزندان متاهل خانواده‌های مذکور و همسران آنها / روش نمونه‌گیری: چندمرحله‌ای، سهم‌بندی و تصادفی سیستماتیک / حجم نمونه: ۳۸۲ خانواده
۴	زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن	زند، مهناز	۱۳۸۳	روش تحقیق: استفاده از رویکرد نظری و اسنادی برای آینده‌نگری تحولات خانواده
۵	بررسی تغییرات فرهنگی خانواده در روستای اخیر با تأکید بر عوامل اقتصادی	خزاعی، طاهره	۱۳۸۵	روش تحقیق: میدانی، مشاهده و مشاهده همراه با مشارکت / جامعه آماری: خانواده‌های روستای واقع در شهرستان رودبار (استان گیلان).
۶	تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران	عنایت، حلیمه	۱۳۸۵	روش تحقیق: تحلیل تغییرات جمعیت‌شناختی خانواده در ایران با تدارک یک رویکرد نظری و بهره‌گیری از شیوه اسنادی.
۷	شناخت و اولویت‌بندی مشکلات خانواده‌های گننده به مراکز راهنمایی و مشاوره‌رابطانی مراجعه و ارائه راهکارها	موحد، مجید	۱۳۸۶	روش تحقیق: پیمایشی / جامعه آماری: خانواده‌های مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره در سطح کشور / حجم نمونه: ۱۳۱ مرکز راهنمایی و مشاوره
۸	جهانی شدن، تجدیدگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی)	اکبرپور گنجه، رامین	۱۳۸۷	روش تحقیق: مطالعه اسنادی (استفاده از یافته‌های اسنادی و تجربی)
۹	بررسی نوگرایی خانواده ایرانی (تحقیقی (در شهر تهران	سزایی، حسن	۱۳۸۸	روش تحقیق: پیمایشی / جامعه آماری: کلیه خانوارهای شهری تهران (۲۲ منطقه) در سال ۱۳۸۷ / روش نمونه‌گیری: دو مرحله‌ای / حجم نمونه: ۶۶۵ خانوار.
۱۰	سنت، نوسازی و خانواده (مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از (ریاضات روش تحقیق ترکیبی	احمدی، جمشید	۱۳۸۸	روش تحقیق: ترکیبی (کمی و کیفی) / جامعه آماری: افراد بالای ۲۰ سال از دو ایل منگور و گورک (ساکن در مناطق شهری و روستایی در شهرستان مهاباد - تقریباً ۱۶۲۵ نفر) / روش نمونه‌گیری: در بخش کمی: نمونه‌گیری تصادفی و بخش کیفی: نمونه‌گیری هدفمند / حجم نمونه: در بخش کمی: ۶۰۰ نفر و در بخش کیفی: ۲۰ نفر از مطلقان محلی.
۱۱	تجدیدگرایی، سرمایه اجتماعی و خانواده ایرانی	ابوالحسن تنهایی، حسین	۱۳۸۸	روش تحقیق: فراتحلیل مطالعات انجام شده.
۱۲	پیش‌بینی و آینده‌نگری تحولات ساختاری نهاد خانواده در ایران (با تأکید بر نظریه سنت و مدرنیسم)	شکرپیگی، عالیه	۱۳۸۹	روش تحقیق: بررسی ادبیات، پژوهش‌ها و نظریه‌های مرتبط و همچنین روندهای مشاهده شده در جامعه ایرانی و اقدام به آینده‌نگری بر این اساس.
۱۳	خانواده ایرانی، فروپاشی یا تمیزات بنیادی: با بررسی نقش آموزش عمومی (همگانی در بهبود وضع موجود	مبینی، سیدرضا	۱۳۸۹	روش تحقیق: پیمایشی، اسنادی (استفاده از داده‌های حاصل از پژوهش‌های بررسی ارزش‌های جهانی در ایران، در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳) / ویژگی اسناد مورد بررسی: ۱. سال ۱۳۷۹: جامعه آماری: کلیه افراد بالای ۱۵ سال در ایران، روش نمونه‌گیری: چندمرحله‌ای، حجم نمونه: ۲۵۲۰ نفر، ۲. سال ۱۳۸۳: جامعه آماری: کلیه افراد بالای ۱۶ سال در ایران، روش نمونه‌گیری: چندمرحله‌ای، حجم نمونه: ۲۵۰۰ نفر
۱۴	خانواده متعارف ایرانی: تحولات نسلی و چالش‌های پیش رو (بر اساس تحلیل ثانویه داده‌های ملی)	شکرپیگی، عالیه	۱۳۸۹	روش تحقیق: تحلیل ثانویه (مقایسه یافته‌های تحولات نگرشی در طول زمان) / داده‌ها و جامعه آماری: ۱. داده‌های طرح پیمایش ملی در شهرها و روستاهای کشور (سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۳) / جامعه آماری: ۲. داده‌های سرشماری‌های ملی، ۳. اطلاعات برخی مطالعات پیمایشی مرتبط.
۱۵	آینده خانواده ایرانی با نگرانی نسلی	محمدیپور، احمد	۱۳۸۹	روش تحقیق: تأکید بر روند و جریان‌های جاری در خانواده ایرانی طی دهه‌های گذشته و پیش‌بینی در مورد آینده خانواده (با اتکا به ۱. تامل، تحقیق و مطالعه محقق در طول بیش از یک دهه در مورد خانواده و ۲. پیش‌جامعه‌شناختی و مطالعات تجربی در حوزه خانواده ایرانی و نسل در ایران)
۱۶	مطالعه انسان‌شناختی عوامل تابسانمانی خانواده در محله سیروس شهر تهران	صادقی، رسول	۱۳۹۰	روش تحقیق: کیفی (مشاهده مستقیم و مصاحبه باز) / جامعه آماری: خانواده‌های ساکن در محله سیروس شهر تهران / حجم نمونه: ۳۰ خانواده (انتخاب هدفمند).
۱۷	اسب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده	رضایی، مهدی	۱۳۹۱	روش تحقیق: اسنادی (استفاده از یافته‌های پژوهش‌های پیشین) به همراه بهره‌گیری از تجرب مشاوری و باقی ۲۰ سال نویسنده.
۱۸	تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی	نوروی، لطیف	۱۳۹۲	روش تحقیق: در این مطالعه از اجماع سه سویه (Triangulation) در سه زمینه داده‌ها، نظریات و تکنیک‌ها (اسنادی، بازنحی و تحلیل متون، مقایسه و تطبیق ترکیبی، تحلیل آمارهای موجود) استفاده شده است.
۱۹	تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیسم	شکرپیگی، عالیه	۱۳۹۲	روش تحقیق: پیمایشی، پنهانگر، کمی، پس از وقوع و مقطعی / جامعه آماری: خانواده‌های مناطق ۴، ۵، ۶، ۱۲، ۱۴ و ۱۶ شهر تهران (زنان شاغل و غیرشاغل) / حجم نمونه: ۶۰۰ خانواده / روش نمونه‌گیری: خوشه‌ای و احتمالی.
۲۰	اشکال نویند خانواده در ایران و چالش‌های آن	حاجیبانی، ابراهیم	۱۳۹۴	روش تحقیق: اسنادی و تحلیل آمارهای موجود
۲۱	بررسی درک معنایی تداوم و تغییر خانواده (مطالعه موردی: شهر مریوان)	اخلاقی، آریتا	۱۳۹۶	روش تحقیق: کیفی (شاهده مشارکتی و مصاحبه عمیق) / جامعه آماری: ساکنان شهر مریوان / حجم نمونه: ۴۲ نفر (نمونه‌گیری نظری).
۲۲	جهانی شدن و تحولات جمعیتی خانواده ایرانی	آزاد ارمنی، تقی	۱۳۹۶	روش تحقیق: روش اسنادی و تحلیل ثانوی آماری استنادات بخش جمعیت سازمان ملل و آمارهای جهانی و آمارهای مرکز آمار ایران و سازمان ثبت احوال کشور.

در ادامه این بخش لازم است مفاهیم اصلی تحقیق به اختصار توضیح داده شود. با در نظر داشتن تعاریف شیخی (۱۳۸۰: ۱۲۹) و چیل (۱۳۸۸: ۵۲)، منظور از ساختار خانواده، شامل «کم و کیف و وضعیت عناصر اصلی خانواده (والدین و فرزندان)»، «کم و کیف روابط و مناسبات میان اجزاء و عناصر خانواده (رابطه والدین با یکدیگر و والدین با فرزندان)» و «شرایط و اوضاع بعضی پدیده‌ها و فرآیندهایی که مستقیماً با نهاد خانواده مرتبط هستند؛ مانند ازدواج، طلاق، سالمندی و...» است. همچنین مقصود از «کارکرد خانواده» (با توجه به تعاریف «کارکرد» و «کارکردهای خانواده» (ریترز، ۱۳۸۲: ۱۳۱ و مک‌کارتی و ادواردز، ۱۳۹۰: ۳۸۹))، وظایفی است که این نهاد اجتماعی در دوره معاصر ایران بر عهده داشته و دارد. گی روشه^۱ در ارتباط با دگرگونی یا تغییر اجتماعی می‌نویسد: «دگرگونی اجتماعی، بیشتر، تغییرات قابل مشاهده و قابل بررسی در زمان کوتاه را شامل می‌شود. چنانچه یک مشاهده‌گر می‌تواند در طول حیات یا حتی در دوره کوتاهی از زندگی خویش، نحوه رشد آن را ملاحظه کند و سیر یا فرجام آن را ببیند» (توسلی، ۱۳۸۲: ۸۵). لذا «تغییر» را می‌توان دگرگونی یک مؤلفه در گذر زمان دانست. بنابراین، در این تحقیق، منظور از «تغییرات خانواده»، دگرگونی‌هایی است که طی دوره معاصر در ساختار و کارکرد خانواده ایرانی رخ داده است. در ارتباط با واژه «چالش» نیز باید گفت که کاربرد این واژه در ادبیات ما، تا اواسط دهه ۱۳۷۰ چندان رایج نبوده و کاربرد امروزی آن با معانی لغت‌نامه‌ای آن تفاوت دارد. ذوعلم (۱۳۸۴) با اشاره به چند کتاب و سند مختلف که از نیمه دهه ۱۳۷۰ این واژه را به کار برده‌اند، معتقد است که در این متون، از واژه چالش، این معانی مستفاد بوده است: ۱. تعارض، جدال و تهافت، ۲. مانع و مشکل و ۳. آسیب و آفت. ذوعلم، با استفاده از معنای لغوی «چالش» و Challenge و نیز برخی عناصر معنایی متبادر از کاربرد این واژه در ادبیات اجتماعی امروز، تعریف زیر را برای چالش ارایه نموده است: «شرایط و وضعیت جدیدی که مسیر آینده جامعه را از بیرون مورد هجوم قرار داده، حفظ تعادل آن را دچار مشکل و مستلزم تلاشی سخت و سرنوشت‌ساز می‌سازد». چالش به این معنی، در عرصه‌های مختلف قابل طرح است و به عرصه خاصی محدود نمی‌شود (همان: ۳۷-۳۵). بررسی تحقیقات مرتبط با آسیب‌های اجتماعی و خانواده نشان می‌دهد که اکثر محققان در به‌کارگیری واژه‌هایی مانند آسیب، تهدید، بحران، تعارض، چالش و... در

عناوین مطالعه خود، از اصول و استانداردهای خاصی پیروی نکرده‌اند؛ حتی در بسیاری از تحقیقاتی که اهداف نسبتاً یکسانی دارند، نیز از واژه‌های متفاوتی استفاده شده است. بنابراین در تحقیق پیش رو، به لحاظ اینکه بر تحلیل نتایج تحقیقات دیگر متمرکز می‌شود، لذا مفهوم چالش به معنای دقیق آن (که در بالا ارایه شد) محدود نمی‌شود و فضای مفهومی آسیب، تهدید، تعارض، بحران و... را نیز در بر می‌گیرد. بنابراین، در این تحقیق، منظور از «چالش‌های خانواده»، همان آسیب‌ها، تهدیدات، بحران‌ها و تعارضاتی است که در دوره معاصر، متوجه ساختار و کارکرد خانواده ایران بوده است.

ذکر این نکته ضروری است که به رغم تعدد و گستردگی تغییرات خانواده، اما مطالعه پیش رو قصد ندارد تک‌تک این تغییرات و چالش‌ها را عمیقاً مورد بررسی قرار دهد. در این مطالعه تلاش می‌شود کلیت تغییرات و چالش‌های خانواده ایرانی مورد بحث و تحلیل قرار گیرد. تلاش خواهد شد در کنار بررسی یافته‌های مطالعات منتخب، از آمارها و شواهد موجود نیز برای ترسیم بهتر تغییرات و چالش‌های خانواده بهره گرفته شود.

یافته‌های تحقیق

سیمای کلی مطالعات منتخب

از بین ۲۲ مطالعه انتخابی، ۲۰ مطالعه به صورت مقاله و ۲ مطالعه به صورت پایان‌نامه منتشر شده است. اکثریت این مطالعات (حدود ۹۰ درصد) طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۰ منتشر شده‌اند و حدود ۵ درصد آنها طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۷۰ و حدود ۵ درصد نیز طی سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۶۰ منتشر شده‌اند. بررسی سال انتشار ۱۸۳ مطالعه‌ای که طی مراحل «تطابق با معیارهای ورود به تحقیق» و «ارزیابی کیفیت مطالعات» از جریان تحقیق حذف شدند، نیز نشان داد که عمده آنها هم طی ده سال اخیر منتشر شده‌اند. این نشان می‌دهد که بررسی تغییرات و چالش‌های خانواده، بیشتر در دهه اخیر مورد توجه بوده است. از نظر روش‌شناسی، بیش از نیمی از مطالعات منتخب (حدود ۵۳ درصد) با تکیه بر رویکردهای نظری و بهره‌گیری از نتایج مطالعات گذشته و یا با استفاده از داده‌هایی که قبلاً تولید شده و حدود ۳۷ درصد نیز با روش پیمایشی، تغییرات و چالش‌های خانواده را مورد کنکاش قرار داده‌اند. سایر مطالعات (۱۰ درصد) نیز با بهره‌گیری از تکنیک‌های آینده‌نگری، نسبت به

تغییرات و چالش‌های خانواده آینده‌نگری کرده‌اند.

به لحاظ پوشش جغرافیایی، حدود ۷۰ درصد مطالعات منتخب (۱۵ مطالعه) بدون تمرکز بر منطقه خاصی از کشور، تغییرات یا چالش‌های خانواده ایرانی را بررسی کرده‌اند (۱۲ مطالعه به صورت نظری و یا با استفاده از نتایج مطالعات پیشین و داده‌های موجود، یک مطالعه به صورت پیمایشی و دو مطالعه به صورت آینده‌نگری). ۳۰ درصد مطالعات (۷ مطالعه) نیز بر مناطق خاصی از کشور تمرکز کرده‌اند که البته همگی به روش پیمایشی انجام شده‌اند (چهار مطالعه در شهر تهران، یک مطالعه در مناطق شهری و روستایی شهرستان مهاباد (استان آذربایجان غربی)، یک مطالعه در روستای گنجه از توابع شهرستان رودبار (استان گیلان) و یک مطالعه نیز در شهر مریوان). به این ترتیب، خلأ روش پیمایشی، در تحقیقاتی که در سطح ملی انجام شده‌اند، مشهود است. البته اندک بودن تعداد مطالعات موردی و انجام نشدن چنین مطالعاتی در مناطق مختلف کشور نیز از خلأهای مطالعات موردی در حوزه تغییرات خانواده به شمار می‌رود. خلأهای تحقیقاتی گفته شده، حتی در میان مطالعاتی که در مرحله تطابق با معیارهای ورود و بعد از آن، از روند تحقیق کنار گذاشته شدند، نیز به چشم می‌خورد.

تغییرات و چالش‌های خانواده ایرانی در دوره معاصر

در مرحله بررسی و تحلیل یافته‌های مطالعات منتخب، ابتدا یافته‌های هر یک از آنها به صورت عباراتی کلی استخراج شد و با چند بار مرور این عبارات، اقدام به تنظیم مقوله‌هایی از تغییرات رخ داده در نهاد خانواده گردید. سپس با بررسی دقیق مقولات و پس از چندبار حذف، اضافه، تلفیق و ادغام، در نهایت، تغییرات اساسی خانواده ایرانی در قالب ۲۳ مقوله تدوین گردید و هر یک از این مقوله‌ها در زیرمجموعه مقوله‌هایی کلی‌تر طبقه‌بندی شدند (جدول ۲). در مرحله بعد، با مطالعه دقیق‌تر یافته‌های مطالعات منتخب، به بررسی تغییرات خانواده ایرانی و چالش‌های موجود در قالب مقوله‌های تدوین شده پرداخته شد. لازم به ذکر است که به علت تعدد تغییرات و فراهم نبودن مجال بحث طولانی، در مقاله پیش رو، هر یک از تغییرات خانواده و چالش‌های مربوطه، به اختصار توضیح داده می‌شوند. قبل از پرداختن به بحث‌های اصلی، ذکر چند نکته ضروری است: مطالعات منتخب، با

دو محوریت اساسی انجام شده‌اند: ۱. بررسی «تغییرات خانواده»؛ ۲. بررسی «چالش‌های خانواده». در مطالعات دسته اول، معمولاً محقق، چند حوزه ساختاری و کارکردی خانواده که تغییرات قابل توجهی داشته را معرفی و در مورد آنها بحث کرده است. در این دسته مطالعات، در مواردی که محقق تغییر آن حوزه را در بر دارنده چالش نیز دانسته است، در مطالعه پیش رو، آن حوزه علاوه بر حوزه «تغییر کرده»، به عنوان «حوزه دارای چالش» نیز در نظر گرفته شده است (جدول ۲). اما در مطالعات دسته دوم، به لحاظ اینکه محور بحث محقق در مورد چالش‌های خانواده است، لذا حوزه‌های دارای چالش به وضوح معرفی و در مورد آنها بحث شده است. اما نکته اینجاست که چالش‌ها و آسیب‌های این حوزه‌ها در پس تغییرات سریع و وسیع آنها رخ داده است. از این رو در مطالعه حاضر، حوزه‌هایی که در بردارنده چالش معرفی شده‌اند، علاوه بر حوزه «دارای چالش»، حوزه «تغییر یافته» نیز در نظر گرفته شده است (حتی اگر در مطالعه منتخب، از تغییرات آن حوزه صحبتی به میان نیامده باشد). جدول ۲ نشان می‌دهد که هر یک از ۲۲ مطالعه منتخب، تغییرات و چالش‌های قابل توجه خانواده را در چه حوزه‌هایی معرفی کرده‌اند.

بررسی مطالعات انجام شده نشان داد که در آنها استاندارد و ملاک دقیق و یکسانی برای سنجش چالش‌ها، آسیب‌ها یا بحران‌ها در نهاد خانواده تدوین نشده است. به عنوان مثال، دقیقاً مشخص نیست که طلاق از چه میزانی که در جامعه بیشتر شود، برای ساختار و کارکرد خانواده تهدیدکننده است و چالش محسوب می‌شود. از این رو، برخی محققان تغییر خاصی در خانواده را چالش یا در بردارنده چالش می‌دانند و برخی نیز جنبه چالشی برای آن قائل نیستند. این موضوع در تحقیق پیش رو مشهود بود. در چنین مواردی سعی شد از تعابیر متفاوت، یک جمع‌بندی ارایه شود. البته باید گفت که چالش‌های خانواده در گذر زمان ثبات کامل ندارند؛ چه بسا تغییری که چند سال پیش به عنوان یک چالش برای خانواده محسوب می‌شده، در حال حاضر چالش محسوب نشود؛ همین مورد می‌تواند یکی از عوامل عدم اتفاق نظر کامل در مطالعات مختلف (خصوصاً مطالعاتی که در زمان‌های متفاوت انجام شده‌اند) باشد. در ادامه، بر اساس مقوله‌بندی صورت گرفته، به بحث در مورد تغییرات و چالش‌های خانواده ایرانی در دوره معاصر و همچنین برخی تغییرات و چالش‌های احتمالی آینده پرداخته می‌شود.

جدول ۲: مطالعات منتخب بر حسب معرفی مهمترین تغییرات و چالش‌های خانواده

مهمترین تغییرات خانواده بر اساس نتایج مطالعات منتخب	شماره مطالعات منتخب (با توجه به جدول ۱)																					
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
تغییرات ساختاری	تغییرات حوزه تشکیل و انحلال خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تغییر ایجاد مختلف از نوع لی و تشکیل خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	افزایش طلاق و ناپایداری بیشتر خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تغییر اشکال و ایجاد خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	مست‌های شدن و ظهور سبک‌های جدید خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	کاهش ایجاد خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	افزایش امید زندگی و میانگین سن اعضای خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	افزایش نسبت سرپرستی زنان در خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تغییر در ویژگی‌های اعضای خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	افزایش نسبت باسوادی و سطح تحصیلات و آگاهی اعضای خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تحول نگرش‌ها و علاقه اعضای خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تحولات نقش و ارتباط در ساختار درون خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تحول نقش‌ها و ساختار قدرت در درون خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تحول روابط درون و ارتباطات بین‌سالم خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
	تحول روابط اعضای خانواده با محیط بیرون	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
تغییرات فزائری	کاهش روابط خویشاوندی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	افزایش مشارکت‌های اجتماعی و مدنی اعضا خصوصاً برای زنان	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	افزایش سطح مشارکت اقتصادی زنان	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	گسترش استفاده از رسانه‌های گویم و افزایش تعاملات غیربومی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	افزایش معاشرت‌های قبل از ازدواج دختران و سران	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	افزایش روابط با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	سایر تغییرات ساختاری	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	تحول سبک زندگی و ارتقاء سطح رفاه خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	کمرنگ شدن ارزش‌های سنتی و افزایش الگوپردازی غیربومی	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
	ترویج بیشتر گذران اوقات فراغت در خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	
انتقال برخی کارکردهای خانواده به سایر نهادها	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		
کاهش سطح فزائری	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		
تصمیم‌گیری کارآمدتر در خانواده	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		
تحول کارکردهای حمایتی خانواده از فرزندان و سالمندان	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		

علائم جدول: تحولات رخ داده در خانواده (✓) چالش‌های خانواده (●) تغییرات پیش‌بینی شده برای آینده (⊖)

تغییرات ساختاری نهاد خانواده

تغییرات حوزه تشکیل و انحلال خانواده

طی دهه‌های اخیر، خانواده ایرانی علاوه بر اینکه در حوزه شکل‌گیری (ازدواج)، تحولات زیادی را تجربه نموده، بیش از گذشته در معرض انحلال (طلاق) نیز قرار گرفته است. «افزایش میانگین سن در اولین ازدواج»، خصوصاً در زنان، از اساسی‌ترین این تغییرات به‌شمار

می‌رود. طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۴۵، میانگین سن اولین ازدواج مردان و زنان به ترتیب ۲/۴ و ۴/۶ سال افزایش یافته و به ۲۷/۴ و ۲۳/۰ سال رسیده است. در این بین، «تفاوت سنی زوجین» همواره کاهش یافته و از ۶/۶ در سال ۱۳۴۵ به ۴/۴ سال در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۴۵). پیش‌بینی می‌شود با توجه به چالش‌های اقتصادی و بیکاری پیش روی جوانان و گرایش شدید دختران به ادامه تحصیل تا سطوح عالی، سن ازدواج جوانان، هرچند به آهستگی اما همچنان روند افزایشی داشته باشد. در کنار افزایش میانگین سن اولین ازدواج، موضوعی که در سال‌های اخیر به‌صورت یک چالش بروز کرده و خودنمایی می‌کند، «مضیق‌ه ازدواج» برای حجم قابل‌توجهی از دختران متولد سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۵۵ است که در سنین ازدواج قرار داشته و یا در حال عبور از آن هستند و شانس اندکی برای ازدواج آنها باقی مانده است. این مسأله که متأثر از کاهش شدید میزان باروری در دهه‌های اخیر و تحول ساختار سنی جمعیت رخ داده، به صورت عدم تناسب تعداد دختران و پسران آماده ازدواج (فزونی دختران نسبت به پسران) مشاهده می‌شود. این مسأله می‌تواند زمینه‌ساز قوت گرفتن ابعاد چالش روابط دوجنس در خارج از چارچوب ازدواج باشد. تشکیل خانواده، از نظر «شیوه همسرگزینی» نیز کاملاً متحول شده است. در گذشته در هنگام ازدواج، ارزش‌ها، منافع و مصالح جمعی و خویشاوندی بر خواست و منافع فردی ارجحیت داده می‌شد و ازدواج جوانان تحت اختیار والدین، بزرگ‌ترها و ریش‌سفیدان قرار داشت. گاهی اختیار والدین و خویشاوندان چنان گسترده و اختیار فرد چنان کم‌رنگ بود که همسرگزینی حتی در زمان تولد یا در دوره کودکی (به‌عنوان زوجین آینده) صورت می‌گرفت و عقد دختر و پسر به زمان بلوغ آنها موکول می‌شد. اما در دهه‌های اخیر، نقش و اختیارات خود زوجین به طور قابل‌توجهی افزایش یافته و فرزندان آزادی عمل زیادی در این زمینه یافته‌اند. همگام با این تحول، «معیارهای همسرگزینی» نیز تا حد زیادی از حالت سنتی خارج شده و به سوی اهمیت یافتن متغیرهای مدرنیته پیش‌رفته است (خصوصاً از دهه ۶۰ به بعد). هرچند در سال‌های اولیه بعد از انقلاب اسلامی، معیارهایی مانند گرایش‌های اعتقادی، مذهبی و سیاسی اهمیت زیادی پیدا کردند، اما بعد از آن، همزمان با کاهش میزان تأثیرگذاری دو متغیر قرابت مکانی و طبقه اجتماعی زوجین بر همسرگزینی، معیارهای ظاهری، عشق و علاقه، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت درآمد، جایگاه ویژه‌ای یافتند.

«افزایش طلاق و ناپایداری بیشتر خانواده» خصوصاً در دو دهه اخیر، از مهمترین تحولات و البته از مهمترین چالش‌های خانواده ایرانی محسوب می‌شود. طبق آمارهای منتشر شده از سوی

سازمان ثبت احوال (۱۳۹۸)، در سال ۱۳۹۵، تعداد ۱۷۴,۹۹۳ واقعه طلاق (آمار بازبینی شده) در کشور به ثبت رسیده است که رقم قابل توجهی به شمار می‌رود. بررسی داده‌های حاصل از سرشماری عمومی نفوس و مسکن نشان می‌دهد که در بین جمعیت حداقل یک‌بار ازدواج کرده، اگرچه نسبت جمعیت بی‌همسر به دلیل طلاق از سال ۱۴۴۵ تا سال ۱۳۷۵ کاهش یافته (از ۱/۱۰ درصد به ۰/۶۵ درصد) اما از آن پس، تا سال ۱۳۹۵ به‌طور قابل توجهی افزایش یافته است (از ۰/۶۵ درصد به ۲/۴ درصد) (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۴۵). نکته قابل تأمل در بین کل افراد مطلقه، اینکه برتری عددی به‌طور چشمگیر به زنان تعلق دارد. به‌نحوی که از تعداد ۱,۱۱۱,۸۶۶ فرد مطلقه در سال ۱۳۹۵، ۷۱۲,۷۸۲ نفر را زنان و ۳۹۹,۰۸۴ نفر را مردان تشکیل داده است؛ به بیان دیگر، در این سال، در مقابل هر ۱۰۰ مرد مطلقه، ۱۷۹ زن مطلقه وجود داشته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). این نسبت نشان می‌دهد که زنان مطلقه شانس و تمایل کمتری برای بازگشت به زندگی مشترک داشته‌اند.

در ارتباط با تحولات مذکور می‌توان گفت: در دهه‌های اخیر، با تحول جامعه و حرکت به سمت مدرنیته، مؤلفه‌های فردگرایی بیش از گذشته رواج یافته و زوجین معمولاً بر اساس معیارهای شخصی خود اقدام به همسرگزینی و ازدواج می‌کنند و در این بین، حصول منافع والدین و خویشاوندان اهمیت چندانی ندارد. آنها نسبت به نسل‌های قبل، اعتقاد بیشتری به برابری جنسیتی دارند، بر وجود روابط صمیمی بیشتر تأکید دارند، با فاصله بیشتری از ازدواج اقدام به فرزندآوری می‌کنند و کمتر تحت نظارت والدین و خویشاوندان قرار دارند. آنها در این شرایط، در صورتی که در زندگی زناشویی با تنش‌هایی روبرو شوند، با سهولت بیشتری تصمیم به طلاق می‌گیرند.

تغییر اشکال و ابعاد خانواده

در دهه‌های اخیر، شکل و بُعد خانواده ایرانی، تغییراتی اساسی را تجربه کرده است. «هسته‌ای شدن و ظهور سبک‌های جدید»، «کاهش ابعاد»، «افزایش امید زندگی و میانگین سن اعضاء» و همچنین «افزایش نسبت سرپرستی زنان» از جمله مهمترین این تغییرات است. تغییر شکل خانواده از گسترده به هسته‌ای، تقریباً به صورت فراگیر در سطح کشور رخ داده و در حال حاضر، خانواده هسته‌ای، چه در شهر و چه در روستا شکل غالب، خانواده

است. البته با توجه به اینکه در ایران، گروه‌های اجتماعی مختلف به طور ناهمزمان و به درجات مختلف در معرض تعامل با جوامع تأثیرگذار بوده‌اند (سرای، ۱۳۸۵: ۵۴)، می‌توان به‌طور همزمان اشکال مختلف خانواده گسترده، گسترده شکسته، هسته‌ای تکمیلی، هسته‌ای مشارکتی و اشکال ترکیبی دیگر را در کشور مشاهده نمود. حاجیانی و اخلاقی (۱۳۸۹) در آینده‌نگری (حدود دو دهه آتی) خانواده ایرانی، معتقدند که متأثر از تبدیل ازدواج سنتی به ازدواج گزینشی (بر مبنای عشق و عاطفه)، سبک‌های جدیدی از خانواده شکل خواهد گرفت و به میزان اندکی، زندگی‌های مشترک بدون ازدواج (یا همباشی) نیز رواج خواهد یافت. همچنین به‌طور طبیعی، در اثر شیوع ازدواج‌های مجدد، الگوهای جدیدی از خانواده‌های تک‌والدینی و ناتنی نیز رشد خواهد یافت.

بعد خانواده، به‌عنوان یکی از متغیرهای ساختاری خانواده، خصوصاً از دهه ۱۳۶۰ تاکنون، تغییرات اساسی تجربه کرده است. این تحول، در آمارهای مربوط به بعد خانوار مشهود است. به‌نحوی که این شاخص، طی سال‌های ۵۵-۱۳۳۵، از ۴/۸ به ۵/۰ نفر افزایش یافته و پس از آن، با طی روندی کاهشی، به ۳/۳ نفر در سال ۱۳۹۵ رسیده است. سفیری (۱۳۶۶) روند افزایشی این شاخص تا دهه ۱۳۶۰ را به گسترش بهداشت و کاهش مرگ‌ومیر، خصوصاً در کودکان، در عین حفظ سنت‌های دیرین در عرصه تولد و تناسل بالا نسبت داده است. اما کاهش قابل‌ملاحظه این شاخص طی سه دهه اخیر، متأثر از کاهش اساسی میزان فرزندآوری در کشور و همچنین رواج بیشتر خانواده‌های هسته‌ای است. با توجه به روند کاهش میزان باروری، همچنین افزایش تعداد و شاخص‌های طلاق، پیش‌بینی می‌شود بعد خانوار، با روندی بسیار آهسته به روند کاهشی خود ادامه دهد.

از دیگر تغییرات مهمی که متأثر از گسترش خدمات بهداشتی و درمانی در خانواده ایرانی رخ داده، افزایش امید زندگی و میانگین سن اعضای خانواده است. این تحول، طی نیم‌قرن گذشته بسیار قابل‌توجه است. بر حسب شواهد آماری، شاخص امید زندگی در کشور از رقم ۴۰ سال در سال ۱۳۳۵ به رقمی حدود ۷۵ سال در سال‌های اخیر افزایش یافته است (ساسانی‌پور، ۱۳۹۸: ۸). پیامد طبیعی این تحول، افزایش تعداد افراد سالمند در خانواده و در واقع، افزایش طول دوره زمانی که بزرگسالان در سن کار باید از والدین سالخورده حمایت کنند، است.

طبق آمارهای موجود، افزایش سرپرستی زنان در خانواده نیز تحول درخور توجه دهه‌های اخیر خانواده ایرانی به‌شمار می‌رود. درصد زنان سرپرست خانوار از ۶/۵ در سال ۱۳۴۵ به ۱۲/۷ در سال ۱۳۹۵ رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰-۱۳۴۵). بر این اساس، طی این دوره ۴۵ ساله، درصد زنان سرپرست خانوار، دو برابر شده است. نکته مهم و قابل تأمل اینکه حتی دلایل افزایش زنان سرپرست خانواده نیز نسبت به گذشته تغییر کرده است. اگر در گذشته این افزایش به دلیل فوت همسر این زنان بود، اما در حال حاضر، طلاق سهم عمده‌ای در این زمینه دارد. با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه، زنان سرپرست خانوار به لحاظ آسیب‌پذیری، در معرض مشکلات و چالش‌های متعددی قرار دارند که این مشکلات و چالش‌ها به‌طور قطع، خانواده‌های تحت سرپرستی آنها را تحت تأثیر خود قرار داده که در نهایت، آسیبی برای کلیت جامعه به‌حساب می‌آید.

تغییر در ویژگی‌های اعضای خانواده

ازجمله بارزترین و مهمترین ویژگی‌های اعضای خانواده که در مقایسه با دهه‌های گذشته می‌توان به تحول آنها پی برد، «نسبت باسوادی، سطح تحصیلات و آگاهی» و «نگرش‌ها و علایق» اعضای خانواده است. مقایسه نسل‌های مختلف حاضر در خانواده نشان می‌دهد که نسل‌های جدیدتر از سطح سواد و تحصیلات بسیار بالا و تخصصی‌تری برخوردارند. این تغییر در آمارهای رسمی کشور به خوبی نمایان است. طی سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵، نسبت باسواد در مردان از ۲۲/۴ درصد به ۹۱/۰ درصد و در زنان از ۸/۰ درصد به ۸۴/۲ درصد افزایش یافته که همانطور که مشخص است، این افزایش در زنان بسیار قابل توجه است. علاوه بر نسبت باسواد، افزایش سطح تحصیلات در خانواده‌ها نیز مشهود است و سرعت این افزایش نیز در زنان نسبت به مردان بیشتر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵-۱۳۳۵).

نگرش‌ها و علایق فردی، از مواردی هستند که با گذر زمان تغییر می‌کنند و به‌عنوان تعیین‌کننده رفتار افراد در خانواده و جامعه، حائز اهمیت هستند. نزدیک به نیمی از مطالعات منتخب، تحول جنبه‌های مختلف نگرشی از نسلی به نسل دیگر را نمونه‌ای از تغییرات خانواده ایرانی برشمردند. البته این تحول دربر دارنده چالش‌هایی نیز برای خانواده بوده است. معینی و شکرپیگی (۱۳۸۸)، در ارتباط با خانواده تهرانی، تغییر باورها و نگرش‌های جنسیتی

(با بیشترین تأثیرپذیری از مدرنیته) و باورها و نگرش‌های مذهبی (با کمترین تأثیرپذیری از مدرنیته) را مطرح نموده‌اند و محمدپور و همکارانش (۱۳۸۸) در ارتباط با دو ایل منگور و گورک شهرستان مهاباد، کاهش تقدیرگرایی در امورات خانواده را برشمرده‌اند. بدون شک، تحولات نگرشی، خود مبنایی برای تحولات دیگر در خانواده بوده و هست. به‌عنوان مثال، کاهش اساسی فرزندآوری طی دهه‌های خیر در خانواده‌های ایرانی را تا حد زیادی می‌توان به تغییرات نگرشی زوجین در این زمینه نسبت داد. آزاد ارمکی و همکارانش (۱۳۸۹) در بررسی تحولات خانواده ایرانی، در این زمینه می‌نویسند: «زنان و مردان ایرانی متفق‌القول‌اند که امروزه، نقش زن و خوشبختی او در داشتن فرزند خلاصه نمی‌شود و این نظر در دهه اخیر مختصری نیز تقویت شده است». لازم به ذکر است که تغییرات سریع نگرشی از نسلی به نسل دیگر می‌تواند مسبب چالش‌هایی نیز در نهاد خانواده باشد. یکی از مشکلات حال حاضر خانواده ایرانی، تمایز و تفاوت علایق و انتظارات بین نسل جوان، نسل میانسال و سالمند است.

تحولات نقشی و ارتباطی در ساختار درونی خانواده

«تحولات نقشی و ساختار قدرت در درون خانواده» که طی دهه‌های اخیر به نفع زنان رخ داده است، از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده و در اکثر مطالعات منتخب تحقیق پیش‌رو مورد توجه قرار گرفته است. همزمان با آغاز روند نوسازی در کشور، زنان با توانمندسازی خود توانسته‌اند نقش‌ها و وظایف مختلفی را در سطح اجتماع تقبل کنند. تقبل نقش‌های بیرونی، تا حد زیادی از نقش‌های سنتی زنان در درون خانواده کاسته و همین امر، تعدیل قابل توجه ساختار قدرت در خانواده به نفع زنان را در پی داشته است. شاید بتوان چنین ادعا کرد که سایر تغییرات و حتی بسیاری از چالش‌های خانواده ایرانی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از این تحول مهم تأثیر پذیرفته است. تعدیل نقش و جایگاه، علاوه بر زنان به نفع فرزندان خانواده نیز رخ داده و در این راستا، وظایف متقابل والدین و فرزندان نیز دگرگون شده است. در جامعه کنونی، فرزندان سودآوری اقتصادی گذشته را برای والدین و خانواده ندارند و این والدین هستند که برای توانمندسازی و پیشرفت فرزندان خود تلاش می‌کنند. آزاد ارمکی و همکارانش (۱۳۸۹) در این رابطه معتقدند: «در خانواده مدرن، ... خانواده‌ها به داشتن فرزند

کمتر تمایل دارند تا بتوانند مسئولیت خویش را بهتر انجام دهند. فرزندان که اهمیت بیشتر یافته‌اند، تا سنین بالا از مزایا و کمک‌های والدین بهره می‌برند.

اکثر مطالعات منتخب مورد بررسی، «روابط درونی و ارتباطات بین‌نسلی در درون خانواده» را حوزه مهم تغییر یافته و البته چالش‌برانگیز خانواده ایرانی برشمرده‌اند. جدول ۲ نشان می‌دهد که در مطالعات منتخب مورد بررسی، این حوزه بیش از سایر حوزه‌های دیگر خانواده به‌عنوان حوزه دارای چالش معرفی شده است. حتی مطالعاتی که اختصاصاً به آسیب‌شناسی خانواده ایرانی پرداخته‌اند، بیشترین آسیب‌های موجود را متعلق به روابط درون خانواده دانسته‌اند. مهمترین تغییرات و چالش‌های این حوزه عبارتند از: جهت‌گیری روابط از عمودی به سمت افقی، فرسایش سرمایه اجتماعی اعتماد، کاهش هم‌صحبتی میان اعضای خانواده، چالش در تنظیم روابط عاطفی، کاهش انجام وظایف و احترامات فرزندان نسبت به والدین و همچنین افزایش جدایی فیزیکی میان افراد مسن و کودکان و کاهش ارتباطات بین‌نسلی. آینده‌نگری‌های صورت گرفته، به افزایش چالش‌های این حوزه اشاره دارند. حاجیانی و اخلاقی (۱۳۸۹) معتقدند که با افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان و اثرگذاری جریانات سیاسی اجتماعی زنان، تغییرات اساسی در ذهنیت سنتی زنان ایرانی به وجود خواهد آمد؛ اما نگرش‌ها در مردان ایرانی به تدریج، تغییر اندکی خواهد یافت. در نتیجه این وضعیت، سطح تعارضات درون خانواده افزایش خواهد یافت.

تحول روابط اعضای خانواده با محیط بیرونی

گسترش خانواده‌های هسته‌ای و کمرنگ شدن شکل گسترده خانواده از یک طرف و افزایش فواصل مکانی بین خانواده‌های خویشاوند از طرف دیگر، «کاهش قابل توجه روابط خویشاوندی» (خصوصاً در بین خویشاوندان دور) را به دنبال داشته است. طبق مطالعات صورت گرفته، این موضوع تنها به شهرهای بزرگ محدود نشده و شهرها، روستاها و اجتماعات کوچک‌تر را نیز در بر می‌گیرد. البته به رغم کاهش سطح روابط میان هسته‌های خویشاوندی، اما «روابطی از جنس دوستی، اجتماعی و مشارکت‌های مدنی»، خصوصاً در مورد زنان افزایش چشمگیری یافته است. در دهه‌های اخیر، با فراهم شدن زمینه‌های لازم و گسترش بیشتر حضور زنان در سطح جامعه «سطح مشارکت اقتصادی» آنان نیز افزایش یافته است. طبق مستندات

آماري، ميزان اين شاخص با پشت سر نهادن افت و خيزهائي، از رقم ۱۲/۵ درصد در سال ۱۳۴۵، به ۱۴/۹ درصد در سال ۱۳۹۵ افزايش يافته است (مرکز آمار ايران، ۱۳۹۵-۱۳۴۵). نکته قابل توجه اينکه با گذر زمان، انگيزه زنان از اشتغال نيز تغيير کرده است. آزاد ارمکي و همکارانش (۱۳۸۲) در بررسي انگيزه‌هاي اشتغال در سه نسل حاضر در خانواده تهراني نشان داده‌اند که در نسل‌هاي جديدتر زنان، از انگيزه‌هاي مبتني بر نياز مالي کاسته شده و بر انگيزه‌هايي مانند استقلال اقتصادي و کسب وجهه و منزلت اجتماعي افزوده شده است.

طي حدود نيم‌قرن اخير، «افزايش استفاده از رسانه‌هاي گروهي و گسترش تعاملات غيربومي» از ديگر تغييرات ساختاري بسيار مهم خانواده در حوزه ارتباطي به‌شمار مي‌رود. اين موضوع، ساختار و کارکرد خانواده را به‌طور قابل توجهي در معرض مؤلفه‌هاي جهاني قرار داده و البته چالش‌هايي را نيز براي نهاد خانواده به ارمغان آورده است. صادقي فسايي و عرفان‌منش (۱۳۹۲) مي‌نويسند: «استفاده از رسانه تا حد زيادي جايگزين ارتباطات چهره‌به‌چهره و کلامي و انتقال تجربيات در محيط خانواده شده است». به زعم نوابي‌نژاد (۱۳۹۱)، «امروز رسانه‌ها و شبکه‌هاي ماهواره‌اي با بهره‌گيري از تمامي مفاهيم و اصول روان‌شناسي يادگيري و ظرافت‌هاي رسانه‌اي، به سرعت در حال ايجاد نوعي از فرهنگ و تغييرات فرهنگي در بين خانواده‌ها، حتي در دورافتاده‌ترين نقاط کشورند» و «در مقطع کنوني، اهداف برخي شبکه‌هاي ماهواره‌اي، تضعيف نهاد خانواده و کاهش پايبندی زوجين به روابط زناشويي و حساسيت‌زدائي در اين زمينه است». آزاد ارمکي (۱۳۸۹) در آينده‌نگري خود نسبت به تعامل خانواده و رسانه در کشور، به بُعد منفي آن اشاره نموده و معتقد است که اثرگذاري خانواده در انتقال ارزش‌ها کم خواهد شد و يکي از مشکلات آينده، اختلاط و تزاخم خانواده با رسانه‌هاي جمعي و نهادهاي فرهنگي در اجتماعي کردن و فرهنگ‌پذيري خواهد بود.

متعاقب افزايش حضور و مشارکت اقتصادي-اجتماعي زنان در جامعه و آزادي عمل بيشتري آنها در اين زمينه نسبت به گذشته و همچنين گسترش روزافزون شبکه‌هاي ارتباطي و مجازي، شاهد «افزايش معاشرت‌هاي قبل از ازدواج دختران و پسران» نيز هستيم. اين معاشرت‌ها با توجه به اينکه با مؤلفه‌هاي فرهنگي و مذهبي جامعه انطباق ندارند، پنهان از خانواده‌ها هستند و همچنين به لحاظ آسيب‌هايي که براي فرد، خانواده و جامعه به دنبال دارند، مورد توجه مطالعات متعددي قرار گرفته و به‌عنوان يک چالش و براي ازدواج و نهاد خانواده،

مورد بررسی قرار گرفته‌اند. طبق نتایج مطالعه خلج‌آبادی فراهانی و کللند (۲۰۰۸)، بیش از نیمی از دختران دانشجو در تهران در سال ۱۳۸۵-۱۳۸۴، تجربه دوستی و حدود یک‌چهارم نیز ارتباط جنسی با جنس مخالف را گزارش کرده‌اند. گلزاری (۱۳۸۳) نیز نشان داده که در تهران بین ۲۰ تا ۶۰ درصد جوانان گروه سنی ۱۸-۱۴ سال، با یک یا چند جنس مخالف، اغلب به طور پنهانی و بدون رضایت خانواده، ارتباط عاطفی و گاه پیشرفته‌تر برقرار می‌کنند. جنادله و رهنما (۱۳۸۹) معتقدند که پذیرش این روابط در حوزه نگرشی جامعه در حال افزایش است. حاجیانی و اخلاقی (۱۳۸۹) در آینده‌نگری خود معتقدند که متأثر از افزایش تنش‌های زوجین از یک طرف و [عدم تسهیل طلاق از طرف دیگر]، «روابط عاطفی خارج از چارچوب خانواده» نیز گسترش خواهد یافت.

سایر تغییرات ساختاری

خانواده ایرانی، خصوصاً طی نیم قرن گذشته، شاهد تحولات ساختاری دیگری مانند «تحول سبک زندگی و ارتقاء سطح رفاه»، «کمرنگ شدن ارزش‌های سنتی» و «تنوع بیشتر گذران اوقات فراغت» نیز بوده است. از جمله اساسی‌ترین تحول سبک زندگی و سطح رفاه خانواده ایرانی، می‌توان افزایش نسبت شهرنشینی و به تبع آن، کاهش نسبت روستانشینی را برشمرد. طبق آمارهای رسمی، در سال ۱۳۳۵، نسبت شهرنشینی در کشور ۳۱/۴ درصد بوده که تا سال ۱۳۹۵ به ۷۴/۰ درصد افزایش یافته است. این تحول متأثر از مهاجرت روستاییان به شهرها و یا تبدیل برخی روستاها به شهر بوده است. همزمان با این تحول سریع، سطح رفاه و امکانات و به‌طور کلی، استانداردهای زندگی خانواده‌ها نیز ارتقاء پیدا کرده است. افزایش قابل توجه «نومکانی» خانواده‌های نوپا، تحولی دیگر در سبک زندگی خانواده‌ها محسوب می‌شود. چرا که طی دهه‌های اخیر، با توسعه روند هسته‌ای شدن خانواده، اکثر زوجین، پس از ازدواج، مکان مستقلی را برای زندگی انتخاب می‌کنند. این نومکانی، خود زمینه‌ساز تحولات دیگری نیز بوده است. به‌عنوان مثال، آزاد ارمکی و همکارانش (۱۳۸۲)، نشان داده‌اند که در شهر تهران، از نسل قدیم به نسل جدید، از درصد مالکان منازل مسکونی کاسته شده (به‌خصوص در نسل اخیر) و در مقابل، اجاره‌نشینی و سکونت در منازل بلاعوض که توسط بستگان و خویشاوندان به‌طور رایگان در اختیار زوجین قرار گرفته، افزایش یافته است. در

مجموع می‌توان گفت، طی دوره معاصر، سبک زندگی خانواده ایرانی در جهت شهرنشینی، استقلال و خصوصی شدن فضای خانواده و نیز بهره‌گیری بیشتر از امکانات مدرنیته پیش رفته است.

همزمان با تحول سریع سبک زندگی، ارزش‌های سنتی خانواده‌ها نیز کم‌رنگ شده و ارزش‌های برگرفته از جریان نوسازی تقویت شده است. هر چند ابعاد و وسعت این تحول در نقاط مختلف کشور متفاوت است، اما تغییرات این حوزه به نقطه یا نقاط خاصی از کشور محدود نشده و اجتماعات سنتی‌تر را نیز در بر می‌گیرد. همگام با این تحول، نحوه گذران اوقات فراغت خانواده‌ها نیز تغییر نموده و تنوع بسیاری یافته است. شکرپیگی (۱۳۸۸) در این رابطه می‌نویسد: طی نسل‌های گذشته، انجام فرایض دینی و مستحبات، وقت‌گذرانی و معاشرت با همسایه و اهل محل، به‌عنوان نحوه گذران وقت فراغت کاهش یافته، در حالی که رفتن به سینما، تئاتر، پارک و مهمانی، مطالعه، تماشای تلویزیون و همچنین رفتن به مسافرت افزایش قابل توجهی داشته است. او معتقد است که تفاوت بین نسلی گذران اوقات فراغت، خود باعث بروز کشمکش‌هایی نیز در خانواده شده است.

تغییرات کارکردی در نهاد خانواده

با تحول شرایط جامعه و تغییر شکل خانواده از گسترده و سنتی به هسته‌ای و مدرن، شاهد «انتقال برخی کارکردهای خانواده به سایر نهادها» هستیم. چرا که ساختار جدید خانواده در شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم، توانایی پذیرش کارکردهایش به‌طور کامل را ندارد. به زعم صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۲)، به میزانی که سازمان‌های اجتماعی بیشتری در جامعه به‌وجود می‌آید، بار دوش خانواده کم می‌شود. اما واگذاری بخش عمده مسئولیت آموزش و جامعه‌پذیری فرزندان به نهاد آموزش و پرورش، مهمترین تحول این حوزه به شمار می‌رود. صادقی فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۲) بُعد چالشی این انتقال کارکرد را اینگونه توصیف می‌کنند: «...نسلی در حال شکل‌گیری است که کمتر از هر زمان دیگر از تربیت ولی، برخوردار بوده است. زندگی کودک با مربیانی که تلاش می‌کنند نگاهی مادرمآبانه به آنها داشته باشند، نمی‌تواند خسران ناشی از فقدان بزرگ شدن در کنار اولیاء را برای کودکان پر کند». آزاد ارمکی (۱۳۸۹) نیز در آینده‌نگری خود معتقد است که بعضی از کارکردهای

خانواده یا جابه‌جا خواهد شد، یا به لحاظ کمی و کیفی دچار تغییر می‌شود. «کاهش سطح فرزندآوری» از جمله مهمترین تحولاتی است که خصوصاً طی سه دهه اخیر در خانواده ایرانی به وقوع پیوسته است. اگر در گذشته فرزندآوری تحت نظارت خانواده گسترده، بزرگان و ریش‌سفیدان فامیل قرار داشت، در دوره کنونی، تبدیل به موضوعی درون‌خانوادگی و تصمیمی عقلانی شده است. به‌نحوی که زوجین با در نظر داشتن شرایط مختلف اقتصادی و خانوادگی خود، به‌طور آگاهانه اقدام به برنامه‌ریزی در این زمینه می‌کنند. شاخص میزان باروری کل که نشان‌دهنده وضعیت فرزندآوری در هر جامعه است، گویای کاهش مداوم فرزندآوری در ایران طی نیم قرن اخیر و خصوصاً بعد از سال ۱۳۶۵ است. طبق برآوردهای صورت‌گرفته، رقم این شاخص در ایران از حدود ۷ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۵۸ به حدود ۱/۸ فرزند در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته (میرزایی و قهفرخی، ۱۳۹۶: ۱۰۸) که حکایت از آن دارد که در مقطع کنونی، فرزندآوری در کشور به زیر سطح جایگزینی (۲/۱) رسیده است. بنابراین، می‌توان گفت که خانواده ایرانی، کارکرد فرزندآوری خود را به شدت تعدیل نموده و متأثر این تعدیل، جمعیت کشور در معرض سالخوردگی شدید قرار گرفته است.

تأمین عاطفه و حمایت از اعضاء، یکی از ابعاد مهم کارکردی روابط اعضای خانواده محسوب می‌شود. نزدیک به نیمی از مطالعات منتخب مورد بررسی، بر «تضعیف کارکرد عاطفی خانواده» تأکید داشته و برخی از این مطالعات، این حوزه را حوزه تضعیف‌شده و چالشی خانواده حال حاضر برشمرده‌اند. آزاد ارمکی (۱۳۸۹)، در تحلیل خود از کارکرد عاطفی و حمایتی خانواده می‌نویسد: «اگر در گذشته و حال، خانواده ... برای حضور افراد بریده از جامعه و خسته از کار و تلاش بیرون و عصبانی از بی‌اعتنایی در محیط خارج از خانواده، مأمنی امن، حمایتی و عاطفی تلقی می‌شد و محوریت آن را نیز مادران و خواهرانی مهربان تشکیل می‌دادند، با تغییر نظام شغلی و حضور مهم و اثرگذار زنان در محیط کار و جامعه، دچار اختلال خواهد شده است. چگونه مادر، خواهر و همسری که خود از محیط کار و اجتماع دل‌آزرده و خسته است، می‌تواند مکان عاطفی برای همسر، فرزندان، برادران و اعضای فامیل فراهم کند. او خود نیازمند حضور در محیطی گرم و صمیمی و عاطفی است. اگر در دو دهه اخیر، همسران، مادران و خواهران درگیر در محیط بیرون از خانواده، شرایط حمایت از خانواده را فراهم کرده‌اند، به دلیل نقش مرکزی مادر بزرگ‌ها و پدر بزرگ‌ها است. این جمعیت اثرگذار

با حمایتی که از پدران و مادران نسل اولی (پیران) کسب کرده و می‌کنند، شرایط بقای خانواده را فراهم می‌آورند. اما این عمل با پایان یافتن نقش مرکزی و عاطفی پیران خانواده به پایان خواهد رسید. پیران موجود، حامی همه نسل‌ها هستند، اما پیران آینده نمی‌توانند حامی کسی یا نسلی باشند؛ زیرا خود گرفتاری‌های بسیاری خواهند داشت. گرفتاری‌های آنها پیش از اینکه اقتصادی باشد، عاطفی، اجتماعی و فرهنگی است. ... آنها در پی کسب محلی و فضایی عاطفی برای ترمیم زخم‌های باقی مانده از زمان حضور در جامعه و کار بی‌حاصلند». بنابراین، به نظر می‌رسد که خانواده ایرانی همراه با تغییرات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و با افزایش فردگرایی و کاهش حضور اعضاء در محیط خانواده، در حال پیشروی به سمتی است که همانند گذشته توان حمایت عاطفی و روانی از اعضای خود را نخواهد داشت.

«حمایت‌های مختلف از فرزندان و سالمندان»، از کارکردهای مهم خانواده به شمار می‌رود که به‌طور کمی و کیفی متحول شده است. مهمترین تحول حمایت از فرزندان، به تأمین شغل برای آنها مربوط می‌شود. در گذشته، تأمین شغل فرزندان به صورت مستقیم توسط خانواده و معمولاً به صورت اشتغال فرزندان در حرفه پدر صورت می‌گرفت؛ اما در حال حاضر، فرزندان بیشتر به واسطه صلاحیت و شایستگی خودشان استخدام می‌شوند. البته این به معنای کاهش یا عدم حمایت خانواده از فرزندان در این زمینه نیست؛ چه بسا خانواده‌های کنونی با تأمین هزینه‌های گزاف توانمندسازی فرزندان (از نظر آموزشی و مهارتی)، به‌طور غیرمستقیم نقشی پررنگ‌تر از گذشته در این زمینه ایفا می‌کنند. اما این موضوع در مورد سالمندان متفاوت است. قبل از رواج سبک هسته‌ای خانواده، سالمندان تا پایان عمر در خانواده گسترده حضور داشتند و به‌طور کامل از حمایت‌های مختلف نسل‌های بعد از خود بهره‌مند بودند. اما خانواده هسته‌ای کنونی، به‌طور عمده بر تأمین نیازهای مختلف خود متمرکز شده و خصوصاً با توجه به فاصله مکانی از خانواده والدی، از توان و زمان کافی برای ارائه این حمایت برخوردار نیست. والدین سالمند، اکثراً به‌تنهایی زندگی می‌کنند و تعداد کمتری از آنها نیز توسط مراکز نگهداری از سالمندان مورد حمایت و نگهداری قرار می‌گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس نتایج به‌دست آمده، در دوره معاصر، خانواده ایرانی در ابعاد مختلف ساختاری و کارکردی خود متحول شده و در پس این تحولات، متحمل چالش‌هایی نیز شده است. چنانچه میزان پرداختن مطالعات منتخب به هر یک از ابعاد تغییر یافته خانواده را ملاکی برای معرفی متحول‌ترین ابعاد خانواده قرار دهیم، می‌توانیم حوزه‌های «ازدواج»، «طلاق»، «روابط درونی خانواده»، «روابط جنسیتی و توزیع قدرت»، «اشتغال زنان»، «نگرش‌ها و علائق اعضای خانواده» و همچنین «فرزندآوری» را نام ببریم و در صورتی که همین معیار را برای معرفی چالشی‌ترین ابعاد خانواده معیار قرار دهیم، می‌توانیم به حوزه‌های «روابط درون خانواده (خصوصاً روابط بین زوجین)»، «طلاق»، «کارکردهای مربوط به روابط اعضای خانواده» و «ازدواج» اشاره کنیم (جدول ۲). بر این اساس، می‌توان گفت حوزه‌هایی که با چالش بیشتری روبرو هستند، همان حوزه‌های متحول‌تر خانواده هستند. در بین تمامی تغییرات ساختاری خانواده ایرانی، به نظر می‌رسد شکل گسترده خانواده به سمت اضمحلال پیش می‌رود و شکل هسته‌ای جایگزین آن می‌شود. علاوه بر این، شیوه ازدواج از پیش تعیین شده نیز که قبلاً از نسبت قابل توجهی برخوردار بود، به سمت منسوخ شدن پیش رفته و در دوره کنونی، عموماً زوجین هستند که برای ازدواج خود تصمیم می‌گیرند و البته مشورت با خانواده نیز در این زمینه مهم است. برای سایر مؤلفه‌های ساختاری خانواده منسوخ شدن مطرح نیست. در بین تغییرات کارکردی خانواده نیز به رغم تغییرات قابل توجه در کارکردهای حمایتی (از فرزندان و افراد سالمند)، منسوخ شدن در این رابطه مطرح نیست. کارکرد تأمین عاطفی برای زوجین نیز اگرچه با چالش‌هایی روبروست، اما به هیچ وجه نمی‌توان از منسوخ شدن برای آن سخن گفت. فرزندآوری نیز به عنوان یکی از کارکردهای مهم خانواده ایرانی، هرچند طی دو دهه اخیر تا حد زیادی تقلیل پیدا کرده، اما منسوخ نشده و نخواهد شد (زیرا در کشور ما، فرزندآوری خارج از چارچوب خانواده و جاهت مذهبی، فرهنگی و قانونی ندارد).

با نگاه به کلیت تغییرات خانواده در ایران، به نظر می‌رسد تغییرات برخی حوزه‌ها با تغییرات برخی حوزه‌های دیگر متناسب و همنوا رخ نداده است. در حالی که برخی در برابر تغییر مقاومت نشان داده‌اند، برخی به سرعت به سمت الگوهای مدرنیته پیش رفته‌اند. به

نظر می‌رسد مهمترین عامل بروز برخی چالش‌ها در خانواده ایرانی نیز همین عدم تناسب و ناهم‌نوایی تغییرات است. به عنوان مثال، معاشرت‌های قبل از ازدواج بین دختران و پسران در جامعه، به‌طور قابل‌توجهی افزایش یافته، اما دختران و پسران در زمان انتخاب همسر، برای «عدم رابطه طرف مقابل با جنس مخالف» به‌عنوان یک معیار مهم همسرگزینی اهمیت بالایی قائل هستند. این یک معیار دوگانه در ارتباط با روابط قبل از ازدواج در جامعه است که در مطالعه خلج‌آبادی فراهانی و همکارانش (۲۰۱۲: ۱۰۷) در شهر تهران به آن اشاره شده است. حاجیانی و اخلاقی (۱۳۸۹: ۲۵۴-۲۵۳) در ارتباط با چالش‌های آینده خانواده ایرانی، به حوزه دیگری از این ناهمخوانی‌ها اشاره کرده‌اند. آنها معتقدند «با افزایش سطح تحصیلات و اشتغال زنان و اثرگذاری جریان‌های سیاسی-اجتماعی زنان، تغییرات اساسی در ذهنیت سنتی زنان ایرانی به وجود خواهد آمد؛ اما نگرش‌ها در مردان ایرانی به تدریج، تغییر اندکی خواهد یافت. در نتیجه سطح تعارضات درون خانواده افزایش خواهد یافت». اظهار نظر دقیق در مورد میزان تناسب و هم‌نوایی تغییرات خانواده در ایران نیازمند تحقیق یا تحقیقات اختصاصی در این زمینه است.

در مورد این سؤال که «آیا چالش‌های خانواده ایرانی در طول دوره معاصر تغییر کرده‌اند یا خیر؟» می‌توان گفت، با توجه به اینکه چالش‌ها و آسیب‌ها در پس تغییرات (معمولاً در پس تغییرات سریع) بروز می‌کنند، بنابراین، با بروز تغییرات جدید در خانواده، چالش‌ها نیز تغییر کرده‌اند. همچنین با توجه به اینکه مطالعات انجام شده در ایران از کثرت و تنوع منطقه‌ای لازم برخوردار نیستند، بر اساس آنها نمی‌توان در مورد تفاوت تغییرات و چالش‌های خانواده در مناطق مختلف کشور پاسخ دقیق داد. اما با توجه به اینکه تغییرات خانواده ایرانی بیشتر منشأ بیرونی داشته و گروه‌های اجتماعی به‌طور ناهم‌زمان و به درجات مختلف با مؤلفه‌های نوسازی در تعامل بوده‌اند (سرای، ۱۳۸۵)، از این رو می‌توان گفت، تغییرات خانواده در گروه‌های اجتماعی مختلف، به صورت ناهم‌زمان و متفاوت رخ داده و چالش‌های منبعث از این تغییرات نیز به‌طور ناهم‌زمان و تقریباً متفاوت در مناطق مختلف بروز کرده‌اند. با احتیاط می‌توان این‌گونه گفت که احتمالاً بخشی از چالش‌های کنونی خانواده ایرانی (خصوصاً در ارتباط با ناسازگاری‌های زوجین و افزایش سطح طلاق)، متأثر از وصلت (به شکل ازدواج) خانواده‌هایی از گروه‌های اجتماعی متفاوت (متأثر از مهاجرت‌های داخلی)

است؛ خانواده‌هایی که به درجات مختلف با مؤلفه‌های مدرنیته در تعامل بوده‌اند و احتمالاً زندگی‌های شکل‌گرفته از برخورد چنین خانواده‌هایی، مستعد بروز تضادها و چالش‌هایی بین زوجین باشد.

به‌طور کلی و بر اساس آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد تحولاتی که در نظریه نوسازی و نظریه گذار جمعیتی دوم در ارتباط با خانواده مطرح شده است، تا حدودی در خانواده ایرانی رخ داده و البته خانواده ایرانی در مقابل این تغییرات مقاومت‌هایی نیز از خود نشان داده است. به‌نظر می‌رسد با توجه به گسترش روزافزون استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی، خانواده ایرانی بیش از گذشته در معرض تحول و همگرایی با خانواده در جوامع تأثیرگذار قرار گیرد. از این‌رو، رصد تحولات و چالش‌های خانواده در کشورهای تأثیرگذار و تشخیص جایگاه خانواده ایرانی در این میان، امری بسیار ضروری است. این موضوع تا حدودی می‌تواند سمت و سوی تحولات آتی و احتمالی خانواده ایرانی را مشخص نموده و از این طریق، آمادگی بیشتری در پیشگیری از چالش‌های جدید و حتی تبدیل آنها به فرصت ایجاد نماید. با برنامه‌ریزی‌های مناسب و به‌موقع می‌توان تحولات خانواده را به نحوی هدایت نمود که چارچوب و کلیت این نهاد مهم در معرض تهدید قرار نگیرد.

در اینجا لازم است، نقد کوتاهی نیز بر مطالعات منتخب صورت پذیرد. بیش از نیمی از مطالعات منتخب، به رغم روشن کردن ابعاد مهمی از تغییرات خانواده، اما به روش اسنادی و با اتکا بر داده‌هایی (مانند سرشماری عمومی نفوس و مسکن و برخی پژوهش‌های ملی) انجام شده‌اند که قبلاً موجود بوده و اختصاصاً به منظور بررسی تغییرات خانواده جمع‌آوری نشده‌اند. اگرچه این آمارها تغییرات اساسی خانواده را معرفی می‌کنند، اما تغییرات دیگری که در عمق خانواده، روی داده‌اند را نشان نمی‌دهند. مطالعات منتخب پیمایشی در مقایسه با مطالعات منتخب اسنادی، به مراتب حوزه‌های وسیع‌تری از تغییرات خانواده را برشمرده‌اند. از این‌رو، برخی حوزه‌های خانواده که در مطالعات منتخب کمتر به آنها پرداخته شده بود، نمی‌تواند حتماً دلیلی بر ناچیز بودن میزان تغییرات آنها باشد. به‌عنوان نمونه، «هسته‌ای شدن خانواده» یکی از مهمترین تحولات خانواده ایرانی به شمار می‌رود، در حالی که کمتر از نیمی از مطالعات منتخب به این تغییر مهم توجه کرده بودند؛ یا اینکه «گسترش معاشرت‌های دختران و پسران در دوران قبل از ازدواج»، از تحولات اساسی حوزه

ارتباطی خانواده، طی سال‌های اخیر به شمار می‌رود، اما معدودی از مطالعات منتخب، از آن به‌عنوان یکی از تغییرات حوزه ارتباطی خانواده نام برده‌اند. بنابراین، به نظر می‌رسد قضاوتی که در ابتدای بحث نتیجه‌گیری در مورد متحول‌ترین حوزه‌های خانواده صورت گرفت، اگرچه می‌تواند تا حد زیادی صحیح باشد، اما قاطعانه نبوده و این موضوع نیازمند تحقیقات پیمایشی دقیق است. در ارتباط با چالش‌های خانواده نیز چنین وضعیتی مصداق دارد. محققانی که در کنار بررسی تغییرات خانواده به ذکر چالش‌های این نهاد اجتماعی پرداخته‌اند، چالش‌های خانواده را فراتر از تغییرات بررسی شده در مطالعه خود ندیده‌اند؛ در حالی که محققانی که به روش پیمایشی و اختصاصاً به بررسی چالش‌ها و آسیب‌های خانواده پرداخته‌اند، به چالش‌های کوچک و بزرگ زیادی در خانواده پی برده‌اند. به عنوان مثال، علی‌احمدی و پوررضا کریم‌سرا (۱۳۹۲) در مطالعه پیمایشی خود در شهر تهران، اعلام کرده‌اند که در مجموع، خانواده‌های تهرانی در مقطع زمانی مورد بررسی با ۳۰ تهدید یا چالش مواجه بوده‌اند. از این‌رو به نظر می‌رسد، خانواده ایرانی در جریان مدرن شدن، در زیر پوسته خود با چالش‌های متعددی مواجه است؛ چالش‌هایی که شاید در بررسی‌های کلان خانواده به خوبی مشاهده نشوند و نیازمند تحقیقات پیمایشی (خصوصاً به روش کیفی و عمیق) دقیق هستند.

جهت شناخت جامع و بهتر تحولات خانواده ایرانی از گذشته تاکنون، علاوه بر آمارهای موجود، استفاده از اسناد تاریخی خانواده نیز می‌تواند مفید باشد. یکی از خلأهای اساسی جهت رصد دقیق و جامع تحولات خانواده در زمان‌ها و مکان‌های جغرافیایی مختلف، به آمارهای این حوزه مربوط می‌شود و لازم است سازمان‌ها و نهادهای مربوطه به‌طور اختصاصی، مداوم و جامع به تولید این آمارها اهتمام ورزند. انجام مطالعات طولی در حوزه خانواده توصیه می‌شود.

منابع

- ابوالحسن تنهایی، حسین و عالیه شکر بیگی (۱۳۸۷). جهانی شدن، تجددگرایی و خانواده در ایران (گذار یا فروپاشی). فصلنامه جامعه‌شناسی، شماره ۱۱: ۵۵-۳۳.
- احمدی، جمشید (۱۳۸۶). شناخت و اولویت‌یابی مشکلات خانواده‌های ایرانی مراجعه‌کننده به مراکز راهنمایی و مشاوره و ارائه راهکارها. فصلنامه خانواده و پژوهش، سال اول، شماره ۱: ۵۹-۳۶.
- اکبرپور گنجه، رامین (۱۳۸۵). بررسی تغییرات فرهنگی خانواده در روستای گنجه از توابع شهرستان رودبار، طی نیم قرن اخیر با تأکید بر عوامل اقتصادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مردم‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. چاپ دوم، تهران: سمت.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۹). آینده خانواده ایرانی با کارگزاری نسلی، کتابنامه آینده پژوهی مسایل خانواده در ایران. مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، گروه فرهنگی و اجتماعی.
- آزاد ارمکی، تقی، فاطمه مدیری و عارف و کیلی (۱۳۸۹). خانواده ایرانی، فروپاشی یا تغییرات بنیادی: با بررسی نقش آموزش عمومی/ همگانی در بهبود وضع موجود. خانواده و پژوهش، سال هفتم، شماره ۱: ۸۵-۶۳.
- آزاد ارمکی، تقی؛ مهناز زند و طاهره خزایی (۱۳۸۲). روند تغییرات فرهنگی اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل، فصل‌نامه علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). سال دوازدهم و سیزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵: ۲۴-۱.
- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی خانواده ایرانی. چاپ اول، تهران: سمت.
- توسلی، غلامعباس (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات سمت.
- جنادله، علی و مریم رهنما (۱۳۸۹). خانواده متعارف ایرانی: تحولات نسلی و چالش‌های پیش رو (بر اساس تحلیل ثانویه داده‌های ملی). کتابنامه آینده پژوهی مسایل خانواده در ایران، مجمع، مرکز تحقیقات استراتژیک، گروه فرهنگی و اجتماعی.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: افکار.
- حاجیانی، ابراهیم و آریتا اخلاقی (۱۳۸۹). پیش‌بینی و آینده‌نگری تحولات ساختاری نهاد

- خانواده در ایران (با تأکید بر نظریه سنت و مدرنیسم). کتابنامه آینده پژوهی مسایل خانواده در ایران، مجمع، مرکز تحقیقات استراتژیک، گروه فرهنگی و اجتماعی.
- ذوعلم، علی (۱۳۸۴). تأملی در مفهوم چالش، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر. سال چهارم، شماره ۳۶.
- رجب‌نژاد، مریم؛ آرمین شیروانی و شهاب خزانه‌داری (۱۳۸۵). مرور نظام‌مند شواهد، مرکز تعالی دانشگاه، دفتر تعالی خدمات بالینی. دانشگاه شهید بهشتی.
- رضوی‌زاده، ندا و تکتم پیکانی (۱۳۹۴). مروری بر مطالعات اجتماعی تنظیم خانواده و کاهش باروری در ایران، راهبرد فرهنگ، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۶۵-۳۵.
- رفعت‌جاء، مریم و سمانه بهرامی (۱۳۹۰). مطالعه انسان‌شناختی عوامل نابسامانی خانواده در محله سیروس شهر تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، سال ۱، شماره ۲: ۱۰۹-۸۵.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۲). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، چاپ هفتم.
- زکی، محمدعلی (۱۳۹۰). بررسی تحقیقات آسیب‌شناسی خانواده در ایران، دهه ۸۰ روند، الگوها و گرایش‌ها، نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده، شماره ۱۸، صص ۱۰۶-۷۱.
- ساسانی‌پور، محمد و مصیب محبی میمندی (۱۳۹۸). بررسی امکان بهبود امید زندگی در ایران با حذف علل عمده مرگ طی دوره ۱۳۹۴-۱۳۸۵، دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۲۹-۷.
- سازمان ثبت احوال کشور (۹۰-۱۳۵۵). آمارهای وقایع حیاتی (ازدواج و طلاق). سازمان ثبت احوال کشور.
- سرای، حسن (۱۳۸۵). تداوم و تغییر خانواده در جریان گذار جمعیتی ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال ۱، شماره ۲: ۶۰-۳۷.
- سرای، حسن (۱۳۸۷). گذار جمعیتی دوم، با نیم‌نگاهی به ایران، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، شماره ۶، صص ۱۴۰-۱۱۸.
- سفیری، خدیجه (۱۳۶۶). تحول خانواده در ایران طی سی سال اخیر. دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه در رشته جامعه‌شناسی (جهت اخذ دانشنامه مدرسی).
- شکرپیگی، عالیبه (۱۳۸۸). تجددگرایی، سرمایه اجتماعی و خانواده ایرانی. فصلنامه علوم

- رفتاری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، شماره ۱: ۱۵۴-۱۳۹.
- شیخی، محمدتقی (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی زنان و خانواده، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- صادقی فسایی، سهیلا و ایمان عرفان‌منش (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی تأثیرات مدرن شدن بر خانواده ایرانی و ضرورت تدوین الگوی ایرانی اسلامی. زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۱: ۸۴-۶۳.
- عباسی شوازی، محمدجلال و رسول صادقی (۱۳۸۴). قومیت و الگوی ازدواج در ایران، زن در توسعه و سیاست، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۵-۴۷.
- عرفانی خانقاهی، معصومه و فرید عبادی‌فرد خانقاهی (۱۳۹۶). مرور نظام‌مند و متاآنالیز کیفیت زندگی در سالمندان ایرانی با استفاده از پرسشنامه لیپاد، مجله پی‌اورد سلامت، دوره ۱۱، شماره ۵، صص ۵۸۸-۵۹۷.
- علی‌احمدی، امید و ناصر پوررضا کریم‌سرا (۱۳۹۲). تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیسم. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۶۴: ۲۱-۱۲.
- عنایت، حلیمه و مجید موحد (۱۳۸۳). زنان و تحولات ساختاری خانواده در عصر جهانی شدن. پژوهش زنان، دوره ۲، شماره ۲: ۱۶۶-۱۵۳.
- کلانتری، عبدالحسین؛ پیام روشن‌فکر و جلوه جواهری (۱۳۹۰). آثار و پیامدهای طلاق: مرور نظام‌مند تحقیقات انجام شده در ایران با تأکید بر ملاحظات جنسیتی (۱۳۹۰-۱۳۷۶). زن در توسعه و سیاست، دوره ۹، شماره ۳: ۱۳۱-۱۱۱.
- کهنه‌پوشی، آکو، علیرضا کلدی و سیدمحمد سیدمیرزایی (۱۳۹۶). بررسی درک معنایی تداوم و تغییر خانواده (مطالعه موردی: شهر مریوان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۱۱، شماره ۱: ۱۶۹-۱۴۵.
- گلزاری، م (۱۳۸۳). دوستی و روابط پایدار با جنس مخالف در نوجوانان و رابطه آن با ویژگی‌های خانوادگی. مقالات نخستین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، صص ۳۰-۲۸.
- محمدپور، احمد؛ رسول صادقی؛ مهدی رضایی و لطیف پرتوی (۱۳۸۸). سنت، نوسازی و خانواده (مطالعه تداوم و تغییرات خانواده در اجتماع‌های ایلی با استفاده از رهیافت روش

- تحقیق کیفی). فصلنامه پژوهش زنان، دوره ۷، شماره ۴: ۹۳-۷۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵-۱۳۳۵). نتایج سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۹۰-۱۳۳۵. تهران: مرکز آمار ایران.
- معینی، سیدرضا و عالیه شکرپیگی (۱۳۸۸). بررسی نوگرایی خانواده‌های ایرانی (تحقیقی در شهر تهران). مجله جامعه‌شناسی معاصر، سال ۱، شماره ۲: ۱۲۷-۱۰۵.
- مک‌کارتی، جین ریبنز و روزالیند ادواردز (۱۳۹۰). مفاهیم کلیدی در مطالعات خانواده. ترجمه محمد مهدی لیبی، چاپ اول، تهران: نشر علم.
- ملبوس‌باف، رامین و فریدون عزیزی (۱۳۸۹). مرور سیستماتیک چیست و چگونه نگاشته می‌شود؟. پژوهش در پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، دوره ۳۴، شماره ۳: ۲۰۷-۲۰۳.
- مهاجرانی، علی‌اصغر (۱۳۷۵). روند انتقال و تحول خانواده در ایران و جهان. فصلنامه جمعیت، شماره ۱۷.
- مهدی، علی‌اکبر (۱۳۵۴). در جامعه‌شناسی خانواده ایرانی، چاپ اول، تهران: انتشارات پیام.
- میرزایی، محمد و مه‌ری شمس قهفرخی (۱۳۹۳). اهمیت ویژگی‌های شغلی زنان بر احتمال باروری طی دوره پنج‌ساله ۱۳۹۳-۱۳۸۹ (مطالعه موردی شهر اصفهان)، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، دوره ۹، شماره ۱۷: ۱۳۹-۱۱۳.
- میرمحمدرضائی، سیده‌زهرا، باقر ساروخانی و حسن سرایی (۱۳۹۶). جهانی شدن و تحولات جمعیتی خانواده ایرانی، زن و مطالعات خانواده، سال ۹، شماره ۳۵: ۱۵۴-۱۱۹.
- نوابی‌نژاد، شکوه (۱۳۹۱). آسیب‌ها و الگوهای مطلوب خانواده. کتاب اندیشه‌های راهبردی زن و خانواده، دبیرخانه نشست اندیشه‌های راهبردی.
- وامقی، مروئه؛ حمیرا سجادی؛ حسن رفیعی و آرش رشیدیان (۱۳۸۹). مرور نظام‌مند مطالعات کودکان خیابانی در دهه اخیر در ایران (فقر، عامل خطر خیابانی شدن کودکان). فصلنامه رفاه اجتماعی، سال نهم، شماره ۳۵: ۳۷۸-۳۳۷.
- یزدانی، عباسعلی و سیمین دوستی (۱۳۹۴). اشکال نوپدید خانواده در ایران و چالش‌های آن، پژوهشنامه مددکاری اجتماعی، سال ۲، شماره ۶: ۱۰۰-۷۵.

- (2018). Impact of Modernization on Family Structure: A Case Study of Punjab Pakistan, *Journal of Organizational Behavior Research*, Vol. 3 (2), pp 27 - 32.
- Burgess, Robert L. (1994). *The Family in a Changing World*, Human Nature, Volume 5, Issue 2, pp 203–221.
- Constance, S. (1990). *The Changing Family in International Perspective*, Monthly Labor Review, v113 n3 p41 - 58.
- Glass, Gene V; McGaw, Barry; & Smith, Mary Lee (1981). *Meta-Analysis in Social Research*. Beverly Hills, CA: SAGE.
- Jiloha, R.C. (2009). Impact of Modernization on Family and Mental Health in South Asia, *Delhi Psychiatry Journal* Vol. 12 no.1, pp 42 - 60.
- Khalaj Abadi Farahani, F.; I. Shah; J. Cleland; & M. R. Mohammadi (2012). Adolescent Males and Young Females in Tehran: Differing Perspectives, Behaviors and Needs for Reproductive Health and Implications for Gender Sensitive Interventions, *J Reprod Infertil*, 2012;13(2):101 - 110.
- Khalaj Abadi Farahani, F. & J. Cleland (2008). Norms, Attitude and Sexual Conduct of Female College Students in Tehran; Implications for Sexual and Reproductive. *Health Policy and Research in Iran [PhD Thesis]*. [London]: London School of Hygiene and Tropical Medicine; P: 325.
- Lesthaeghe, R. & Neels, K. (2002). From the First to the Second Demographic Transition: An Interpretation of the Spatial Continuity of Demographic Innovation in France, Belgium and Switzerland, *European Journal of Population*, Vol. 18(2002), 325–360.
- Margavio, A. V. and Mann, S. A. (1989). *Modernization and the Family: A Theoretical Analysis*, *Sociological Perspectives*, Vol. 32, No. 1 (Spring, 1989), pp. 109 - 127.
- Parsons, Talcott (1966). *Societies: Evolutionary and Comparative perspectives*, Englewood wood Cliffs: Prentice Hall.
- Raymo, J. M., Hyunjoon P., Xie, Y. & Yeung, W. J. (2018). Marriage and Family in East Asia: Continuity and Change, *Annu. Rev. Sociol.* 2015. 41:8.1–8.22.
- Van de Kaa, Dirk, J. (2002). *The Idea of a Second Demographic Transition in Industrialized Countries*. Paper presented at the Sixth Welfare Policy Seminar of the National Institute of Population and Social Security, Tokyo, Japan, 29, January, 2002.
- Van Den Ban, A. W. (1967). Family Structure and Modernization, *Journal of Marriage and the Family*, Vol. 29, No. 4 (Nov., 1967), pp. 771 - 773.